ماندگار

روزنامهٔ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل - هرات

پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال نهم ۲۲۳۴ یک‌شنبه ۱۲ حمل/فروردین ۱۳۹۷ ۱۵ رجب‌المرجب ۱۴۳۹ ۱ اپریل ۲۰۱۸

۵۲ روز تا پایان کار قانونی رییس جمهور

همشهریان گرامی!

عزیزی بانک افتخار دارد که به سلسله نو آوری هـــــای پیهم در عرصه بانکداری اینبار محصول جدید خویش را با ویژگی های خاص به شما معرفی میکند. حساب ویژه برای شرکت ها، حساب پس انداز برای بزرگسالان، حساب پس انداز برای کودکان؛

عزیزی بانک تنها بانکیست که در تمام سنین و موقعیت های شغلی به شما می اندیشد.

عزیزی بانک
Azizi Bank

www.azizibank.af 1515

رییس کمیسیون مستقل انتخابات:

ده میلیون تذکره کاغذی باید توزیع شود

صفحه ۳

عربستان به خاطر آشتی با طالبان پا پیش می‌کشد

عربستان سعودی موافقت کرده است که در راستای آغاز روند جدید مذاکرات صلح در افغانستان نقش ایفا کند.

به گزارش روزنامه وال استریت ژورنال، آمریکا و افغانستان امیدوار هستند که عربستان سعودی به دلیل ماهیت دینی و روابط تاریخی‌اش با طالبان بتواند این گروه را پشت میز مذاکره آورد و نقش تضمین کننده برای توافق صلح احتمالی را بر عهده بگیرد. اما این روزنامه آورده است، عربستان در این مسیر با موانعی روبه‌رو خواهد شد.

مقامات آمریکایی اعلام کردند: عربستان سعودی موافقت کرده است که به از سرگیری مذاکرات صلح میان افغانستان و طالبان کمک کند.

چندی پیش طالبان از واشنگتن خواست تا برای پایان دادن به جنگ ۱۷ ساله افغانستان وارد مذاکره شود.

به نوشته این روزنامه، شورای امنیت ملی آمریکا این تلاش را هدایت می‌کند؛ تلاشی که چهار کشور در آن حضور دارند که شامل امارات و عربستان نیز است.

براساس گزارش این روزنامه، هربرت مک‌مستر، مشاور امنیت ملی برکنار شده آمریکا میزبان نخستین نشست به این منظور در تاریخ ۲۳ مارچ با حضور مشاور امنیت ملی افغانستان و مقامات سعودی و اماراتی بود.

از سوی دیگر، اشرف غنی، رییس جمهوری افغانستان مذاکره با طالبان و از سرگیری مذاکرات صلح با طالبان را مطرح کرده است. با این وجود طالبان هنوز به این پیشنهاد پاسخی نداده است. طالبان، این گروه شبه‌نظامی تا ۲۰۰۱ بر افغانستان حکم راند تا اینکه در سال ۲۰۰۱ نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا به افغانستان حمله و حکومت آنها را ساقط کردند.

صفحه ۶

سالانه ۷۰درصدِ عواید وزارت ترانسپورت حیف و میل می‌شود

صفحه ۶

جوانان صلح‌جوی هلمندی روانه‌ی بیمارستان شدند

صفحه ۲

برگزاری انتخابات در نیمی از مراکز رای دهی!

صلح و جنگ افغانستان در هفت دیگران

صفحه ۲

معاون مجلس مدعی شد:

غنی دستور داده که نمایندگان کنونی دوباره به مجلس راه نیابند

معاون اول مجلس نمایندگان می‌گوید که رییس جمهور غنی به اعضای کمیسیون انتخابات هدایت داده است تا نمایندگان کنونی دوباره به مجلس راه نیابند.

همایون همایون معاون اول مجلس که در نشست روز شنبه (۱۱ حمل) این مجلس صحبت می‌کرد گفت: «حلقه نزدیک به رییس غنی می‌گویند که آقای غنی به اعضای کمیسیون انتخابات هدایت داده است تا از نمایندگان کنونی به جز چند نفر نزدیک به حکومت، نباید دوباره به مجلس راه یابند».

آقای همایون افزود که در انتخابات آینده پارلمانی شاید او کاندید نباشد اما نمایندگان مجلس نباید از این تصمیم آقای غنی به سادگی بگذرد.

او گفت که آقای غنی می‌خواهد جوانانی در انتخابات آینده پارلمانی به مجلس راه یابند که از برنامه‌هایش حمایت کرده و نیز برای او در انتخابات ریاست جمهوری کمپاین نمایند.

معاون اول مجلس تاکید کرد که مسوولیت انتخابات غیر شفاف را هیچ کسی نخواهد پذیرفت.

به گفته او، کمیسیون انتخابات نیز از استقلالیت کامل برخوردار نیست و فساد گسترده در این کمیسیون وجود دارد.

معاون اول مجلس گفت که هم اکنون کارمندان ساحوی و پست‌های دی اف سی در کمیسیون انتخابات بین اعضای این کمیسیون تقسیم شده است.

آقای همایون همچنین آقای غنی را به دخالت در شورای عالی صلح متهم کرد و گفت که تمام مصارف که در این شورا می شود از خاطر کمپاین آینده رییس جمهور است.

او خطاب به آقای غنی گفت: «در انتخابات آینده ریاست جمهوری کسی به شما رای نخواهد داد و فریب پروژه‌های نمایشی شما را نخواهد خورد و شما رییس جمهور کاذب آینده باقی نخواهید ماند».

عبدال الله محمدی دیگر عضو مجلس نیز گفت که رییس جمهور در دیدار اخیرش به کمیشنران کمیسیون انتخابات دستور داده است تا از نمایندگان فعلی بیشتر از ۲۵ نفر نباید در انتخابات آینده به مجلس راه یابند.

آقای محمدی بیان داشت که این هدایت رییس جمهور نگران کننده است و باید بررسی شود.

اما، مولوی تره خیل محمدی یک عضو دیگر مجلس، این ادعاها را توهین به رییس جمهور خواند و گفت: «هرکسی که به رییس جمهور توهین می‌کند در واقع به مردم افغانستان توهین کرده است».

در همین حال، برخی نمایندگان مجلس تاکید داشتند که انتخابات ریاست جمهوری همزمان با انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی برگزار گردد.

صالح محمد سلجوقی گفت: «براساس تاریخ که برای برگزاری انتخابات پارلمانی و شورا های ولسوالی اعلام شده، با برگزاری انتخابات...

ادامه صفحه ۶

سخن ماندگار

صلح و جنگ افغانستان در منفعت دیگران

درحالی که حرکت‌هایی برای ایجاد زمینه‌های گفت‌وگو برای صلح در افغانستان، اخیراً از چندین جهت و در چند نشست بین‌المللی از کابل تا تاشکند و واشنگتن مطرح شده است و نیز کشورهای منطقه‌یی هم هریک به نوبهٔ خود به این هدف علاقه نشان داده‌اند؛ اما به موازات این همه، طبل جنگ نیز نواخته شده است. وارد شدن یک لوای منظم از ارتش امریکا در افغانستان بار دیگر تاکید می‌کند که جنگ در این کشور برای سال‌های دیگر هم ادامه دارد و نیز کوتاه نیامدن طالبان در برابر همه صداهای جهان و مردم افغانستان نیز نشان می‌دهد که هنوز عقربه‌های زمان به سمت صلح گردش نمی‌کند. این وضعیت زمانی بیشتر پیچیده می‌شود که در اوج تلاش‌های منطقه‌یی و بین‌المللی برای صلح افغانستان، صداهایی از کمک‌های برخی کشورها از جمله روسیه برای طالبان بالا می‌شود و نیز کشورهای دیگری هم در منطقه هستند که روابط شان در سطوح متفاوت و به هدف‌های مختلف با طالبان تامین شده است. اگرچه روسیه رد می‌کند که همکاری‌یی با طالبان داشته باشد؛ اما اخیراً اتهاماتی از طرف رسانه‌ها و مقامات غربی به خصوص امریکایی در این زمینه مطرح شده است. شکی نیست که روسیه تماس‌های طولانی مدتی با طالبان داشته است اما اگر این تماس‌ها به کمک‌های تسلیحاتی و مالی به طالبان منجر شده باشد، وضعیت جنگ در افغانستان به شدت وارد یک مرحله بسیار خطرناک می‌شود. تاکنون که پاکستان با رویکرد تعریف شده از طالبان حمایت می‌کرد و این حمایت تاکنون هم ادامه دارد و این کشور حاضر نیست که به راستی از حمایت طالبان دست بردارد. اما مسلم این است که اگر روس‌ها در کنار پاکستان به تمویل مالی طالبان بپردازند ممکن است که سرنوشت افغانستان در نهایت به سرنوشت سوریه آنهم علرغم آنکه تاکنون به گونهٔ صریحی به نظر نمی‌رسد که موافقت یا علاقه‌یی به تکرار چنان تجربه‌یی وجود داشته باشد، منجر شود. از جانب دیگر، تجربهٔ طالبان نشان می‌دهد که این گروه به عنوان ابزاری در دست کشورهای مختلف می‌توانند عرض اندام کنند. همین اکنون طالبان یکی از جریان‌های بسیار عایداتی در افغانستان است که از رهگذرهای مختلف از جمله استفاده از آنان در بازی‌های رقابتی استخباراتی، جنگ‌های نیابتی و بازی‌های مواد مخدر استفاده می‌شود و این نیروها قابلیت بالایی برای بهینه شدن در چنین فرصت‌هایی را دارند. این خود به عنوان متغیری برای ادامه جنگ برای سال های سال است. زیرا دولت افغانستان هم به راستی و صادقانه در پی ایجاد صلح نیست؛ زیرا صلح در افغانستان و نبود طالبان، برای برخی از سیاسیون بر سر اقتدار برزگترین مصیبت خواهد بود و از این رو بحث و شعار صلح فقط به عنوان شعار و اعمال فریبنده مطرح است و بس. حال‌آنکه افغانستان ظرفیت آن را دارد که بتواند برای همه بازی‌گران مکانی برای تعامل‌های خوب باشد اما واقعیت این است که رقابت‌های جاری در منطقه و عدم صداقت دولت‌های افغانستان در هفده سال اخیر برای صلح، دلیل اصلی ادامه جنگ بوده است. پس در صورتی که دولت افغانستان صداقتی برای شکل دادن صلح در کشور داشته باشد امیدهای فراوان و راه های متعددی هم به نظر میرسد. اما در کل بحث و جنگ و صلح در افغانستان به دوابزاری در جهت براورده شدن منافع دیگران است و متاسفانه منافع افغانستان نه در این جنگ و نه در صورت صلح در نظر گرفته نشده است. پس لازم است که به بحث و جنگ و صلح در افغانستان نگاهی بنیادی و صادقانه از دورن صورت بگیرد. مانیاز داریم و نیروهای سیاسی کشور می‌توانند در زیر چتر یک برنامهٔ ملی و همگرایانه گرد هم بیایند و برای افغانستان نسخه بچینند تا امیدی برای رهایی از این وضع دست دهد.

احمدعمران

برگزاری انتخابات در نیمی از مراکز رای دهی!

براساس آخرین گزارش نهادهای امنیتی کشور، نزدیک به هزار مرکز رای دهی در دست مخالفان مسلح قرار دارد و در این مناطق برگزاری انتخابات در حال حاضر ناممکن به نظر میرسد. در همین حال این نهادها می‌گویند بیشتر از دو هزار مرکز دیگر با تهدیدهای بالا و یا متوسط رو در رو هستند. براین اساس نیمی از مراکز رای دهی با تهدیدهای امنیتی رو به رو هستند که برگزاری انتخابات را در آن ها مشکل می‌سازد. مقام‌های امنیتی می‌گویند که تدابیری سنجیده‌اند که تا زمان برگزاری انتخابات این مراکز دوباره امن شود. اما از کجا می‌توان به چنین وعده‌یی امید بست؟ ترس بیشتر از این وجود دارد که با گرم شدن هوا تحرکات نظامی مخالفان هم افزایش پیدا کند و مراکز بیشتری با تهدیدهای امنیتی رو به رو شوند. در این کشور امید بهبود یافتن وضعیت را زیاد نمی‌توان داشت؛ ولی امید برهم خوردن آن بیشتر محتمل به نظر می‌رسد. طالبان از حالا حرکت‌های نظامی خود را در بسیاری از بخش‌های کشور آغاز کرده‌اند و گفته می‌شود این تحرکات زودهنگام عمدتا به هدف تهدید کردن روند انتخابات راه اندازی شده است. طالبان در سال روان بیشتر از هرزمان دیگری با توجه به فشارهای که با آن‌ها مواجه‌اند، فعالیت‌های نظامی خود را بالا خواهند برد. مدت‌ها پیش فرماندهان ناتو در افغانستان اذعان کرده بودند که سال ۲۰۱۸ سال خوبی برای افغانستان نخواهد بود. این نظامیان مدعی اند که در سال ۲۰۱۸ افغانستان با فشارهای امنیتی بیشتری از سوی مخالفان مسلح خود مواجه می‌شود. وقتی مقام‌های ناتو چنین هشدارهای صادر می‌کنند، طبیعی است که نباید وضعیت امنیتی کشور در آستانهٔ انتخابات چندان عادی باشد. با چنین شرایطی آیا دولت هم چنان می‌خواهد که انتخابات شورای ملی و شورای ولسوالی‌ها برگزار شود؟ ظاهراً تاکید دولت به برگزاری انتخابات دارد، حتا اگر شرایط چنین انتخاباتی واقعا مساعد نباشد. تاکید ریاست جمهوری به برگزاری انتخابات از آنجا ناشی می‌شود که این نهاد به سبوتاژ روند انتخابات متهم است و بسیاری از نهاد های ناظر بر انتخابات به این نتیجه رسیده اند که ارگ تمایل و اراده‌یی برای برگزاری انتخابات از خود نشان نداده است. از جانب دیگر به این شکل ارگ می‌خواهد بار اصلی ملامتی انتخابات آینده را در صورت برگزار شدن و یا بد برگزار شدن، به گردن کمیسیون انتخابات و اعضای بی‌تجربه و کم تجربهٔ آن بیندازد. به این صورت هر اتفاقی که برای انتخابات بیفتد کسی نتواند ارگ را ملامت و انتقاد کند. در حالی که همین نهاد کل بار ملامتی انتخابات را باید به دوش بکشد. زیرا طی سه سال گذشته این ارگ ریاست جمهوری بود که به بهانه‌های مختلف سبب شد که انتخابات پارلمانی در زمان و وقت مناسب و قانونی آن برگزار نشود. ماه ها صرف این شد که کمیسیون اصلاحات انتخاباتی تشکیل شود و بدون آن که نتیجه کارآن مشخص شود، کمیسیون پس از ماه به کارش پایان بخشید. بعدا برای انتخاب کمشنران تازه کمیسیون‌های انتخاباتی کمیتهٔ گزینش ساخته شد و ماه‌ها نیز صرف گزینش یک تعداد افرادی شد که حالا مشخص شده است که این افراد اصلا صلاحیت مدیریت انتخابات را ندارند و جنجال های موجود دروازه بخت شان را کوبید و آن‌ها را در چنین موقعیت‌هایی گماشت. زیرا به گفته یکی از اعضای بلند پایه ریاست اجراییه چنان جنجالی برسر نام های گزینش شده که شایسته‌گی های لازم را هم داشتند، به دلایل مختلف اختلاف نظر به وجود می‌آمد که آن فرد از فهرست حذف می‌شد و به این صورت فهرست کوچک و کوچک شده رفت تا رسید به افراد کمتر شناخته شده و این فرصت خوبی شد که شانس پذیریش را برای این افراد بالا ببرد. آقای غنی هیچ علاقه‌یی به برگزاری انتخابات ندارد ولی او نشان می‌دهد که تمام هم و غمش را انتخابات تشکیل می‌دهد؛ چرا؟ چون می‌داند بدون نشان دادن چنین ارادهٔ جامعه جهانی که یکی از شرایط آن برای کمک به افغانستان برگزاری انتخابات شفاف، عادلانه و فراگیراست می‌تواند مشکلی برایش به وجود آورد. آقای غنی برای رهایی از چنین مشکلی خود را متعهد به برگزاری انتخابات می‌داند در صورتی که عملا انتخابات در مغایریت با خواست‌های او قرار دارد. آقای غنی خوش‌تر می‌دارد که هم چنان سلطان بلامنازع ارگ باشد و هیچ نهادی به شمول مجلس نماینده‌گان مشروعیت لازم را نداشته باشند که موی دماغ او شوند. وقتی در نیمی از مناطق کشور شرایط رای دهی وجود نداشته باشد، به معنای نقض یکی از اساسی‌ترین مولفه های انتخابات است که عبارت از فراگیر بودن آن خواهد بود و چنین انتخاباتی بدون شک نه از مشروعیت برخوردار است و نه هم مورد حمایت مردم قرار خواهد گرفت. مگر انتخابات سال ۱۳۹۳ به کجا انجامید؟ چرا مردم نتیجهٔ آن را نپذیرفتند؟ دلیل اش کاملا روشن است چون دولت عملا در کار انتخابات دست درازی کرد و با جعل و تقلب کوشید که فرد مورد نظر خود را برنده انتخابات اعلام کند. هر زمان دیگر هم که دولت دست از بازی های انتخاباتی خود برندارد، وضعیت انتخابات به بحران می انجامد. حالا البته در کنار دستکاری‌ها و مداخله‌های ارگ بحث امنیت انتخابات نیز به اندازهٔ کافی نگران کننده است و هیچ گمان نمی‌رود که تا زمان برگزاری انتخابات نیروهای امنیتی بتوانند شرایط امنیتی را بهبود بخشند. پس ما از چه انتخاباتی صحبت می‌کنیم؟ اداره توزیع شناسنامه‌ها میگوید که فقط برای کسانی که شناسنامه نداشته باشند، شناسنامه های تازه توزیع خواهد کرد و نصب نشانه مخصوص شرکت در انتخابات در برگه های شناسنامه کار کمیسیون انتخابات است. آیا تا زمان برگزاری انتخابات کمیسیون موفق می‌شود که در شناسنامه های ۱۷ میلیون واجد شرایط نشانه های شرکت در انتخابات را نصب کند. یک همین کار که از مقدماتی ترین برنامه های انتخاباتی می‌تواند به شمار رود گمان نمی رود که از سوی کمیسیون انجام شود چه برسد به این که کمیسیون قادر شود انتخاباتی شفاف و عادلانه را در کشور برگزار کند.

رییس کمیسیون مستقل انتخابات:

ثبت نام رای‌دهندگان بر اساس تذکرهٔ کاغذی صورت می‌گیرد

ده میلیون تذکره کاغذی باید توزیع شود

ناجیه نوری

اشاره: در جریان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۳، مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی، به‌ویژه کمیسیون مستقل انتخابات، متهم شدند که در تقلب‌های «گسترده و سازمان‌یافته» دست داشته‌اند. سرانجام، با طرح شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، از طریق برنامهٔ آجندای ملی در کشور و سپس با پادرمیانی جان‌کری، وزیر خارجهٔ وقتِ امریکا، حکومت وحدت ملی مبتنی بر تقسیم مساویانهٔ قدرت ایجاد شد. یکی از نکات اصلی توافق‌نامهٔ سیاسی که منجر به تشکیل حکومت وحدت ملی شد، اصلاح نظام و ساختار نهادهای انتخاباتی، توزیع شناس‌نامه‌های برقی و برگزاری لویه جرگه جهت تعدیل قانون اساسی بود. با این وجود، در نظام انتخاباتی تغییرات شکلی به وجود آمد؛ اما انتخابات برگزار نشد. اکنون که بیش از یک سال از آغاز کار کمیشنران جدید کمیسیون انتخابات می‌گذرد؛ برگزاری انتخابات با وجود این‌که کمیسیون وعده سپرده که در ماه سرطان سال جاری انتخابات پارلمانی را برگزار خواهد کرد؛ اما برگزاری انتخابات با چون و چراهای زیادی مواجه است.

سپاس از شما دکتورعبدالبدیع صیاد رییس کمیسیون مستقل انتخابات که زمینهٔ این مصاحبه را فراهم ساختید.

به عنوان نخستین پرسش، زمانی‌که شما به عنوان رییس کمیسیون مستقل انتخابات کارتان را آغاز کردید، وضعیت چگونه بود و اکنون کمیسیون در چه وضعیت قرار دارد؟

در زمانی که کمیسیون انتخابات با سرپرستی اداره می‌شد، رییس دارالانشاء وجود نداشت، وضعیت طوری بود که کارها به شکل بهتر و خوب‌تر پیش نمی‌رفت، در زمانی‌که نصاب کمیسیون تکمیل نبود، کمیسیون می‌خواست استخدام را در مرکز و ولایات شروع کند؛ اما طبق قانون، کمیته استخدام طبق قانون تشکیل می‌شد؛ اما متاسفانه کمیسیون رییس دارالانشاء و رییس کمیسیون نداشت؛ بنابراین مشکلات زیادی وجود داشت.

بعد از انتخاب هیات اداری کمیسیون و رییس کمیسیون انتخابات کارهای زیادی صورت گرفت، بست‌های خالی زیادی وجود داشت که متاسفانه در طول یک سال به اعلان گذاشته نشده بود، تقریباً ۵۵ بست خالی در داخل کمیسیون و ۱۰ بست ولایتی، ۱۰ ریاست کلیدی در داخل کمیسیون و بست‌های زیادی توسط سرپرستان اداره می‌شد که با تعیین رهبری جدید تقریباً این مشکلات حل شده است.

تمام بست‌های متذکره اکنون به اعلان رفت و در یک پروسه رقابت آزاد امتحان گرفته خواهد شد و افراد واجد شرایط جذب خواهند شد.

مهم‌تر از این‌ها ثبت نام رای‌دهنده‌گان است که پروسهٔ ثبت نام آغاز شدنی است و اکنون به صورت رسمی اعلان می‌کنم که پروسهٔ ثبت نام برای رأی‌دهندگان در ۲۵ ماه روان عملاً آغاز می‌شود».

قرار است که ثبت نام رأی‌دهندگان در دو مرحله اول از مراکز ولایات آغاز شود و سپس به ولسوالی گسترش یابد، برای تهیهٔ فهرست رأی‌دهندگان کارمندان جدید مرحله اول استخدام شده و پروسهٔ استخدام در این زمینه هم جریان دارد.

ما براساس تفاهم‌نامه‌یی که با اداره ثبت احوال و نفوس داریم در حدود ده میلیون تذکره کاغذی باید توزیع گردد اداره احوال ثبت نفوس با وجود مراکز قبلی که دارد مراکز متعدد اضافی را در سراسر کشور افتتاح نموده است و گزارش‌هایی که به ما رسیده است، تنها در ولایت هرات روزانه چهار تا پنج هزار تذکره توزیع می‌گردد و در کنار آن مراکز سیار برای توزیع تذکره ایجاد خواهد شد، زیرا ثبت نام رای‌دهنده‌گان براساس تذکره صورت خواهد گرفت.

بدون تذکره‌های برقی آیا ما یک انتخابات شفاف را شاهد خواهیم بود؟

توزیع تذکره‌های برقی یک پروسه طولانی است و برای برگزاری انتخابات فقط چند ماه باقی مانده است، ما روش دیگری را پیشنهاد کردیم و طرح اول ما این بود که به شکل بایومتریک باشد که متاسفانه در وقت و زمان آن نه دونرهای بین‌المللی و نه دولت افغانستان بنا به ملحوظات متعدد باما همکاری جدی نداشت و ماشین‌ها و وسایل تکنالوژی که باید خریداری می‌شد، هزینه زیادی لازم داشت و کسی با ما در وقت وزمان ان همکلری جدی نکرد؛ بنابراین ما طرح دوم خود را که در حد امکان شفافیت در نظر گرفته شود پیشنهاد کردیم که براساس تذکره تابعیت بود و تذکره تنها سندی است که در آن تمام مشخصات یک رای‌دهنده وجود دارد و تمام اسناد دیگر مانند قباله نکاح نامه جواز راننده‌گی وغیره به آن برمی‌گردد و در این طرح جدید در زمان ثبت نام در پشت تذکره یک برچسپ زده خواهد شد که مشخصات رای دهنده در آن درج می‌باشد و به یکی از مراکز رای‌دهی اعتبار داده خواهد شد که فرد مورد نظر براساس آن تنها در همان مرکز رای دهی حق رای را خواهد داشت.

در خصوص ریاست‌های ولایتی گفته می‌شود که جنجال و کشمکش‌های وجود دارد که گویا برخی از مقامات و سیاسیون کمیسیون را تحت فشار قرار دادند و خواهان این استند که نام‌های سرپرستان فعلی شارد لیست شده و دوباره به عنوان رییس گماشته شوند، این خبر تا چند اندازه حقیقت دارد؟

این خبر حقیقت ندارد، چون در گذشته کمیسیون رییس نداشت، در ابتدا این بست‌ها، بست‌های مدیریتی بود که بعداً به ریاست مبدل شد، این بست‌ها باید در زمان اعضای کمیسیون سابق به اعلان می‌رفت که نرفت و اعضای کمیسیون سابق به بهانه این‌که انتخابات نزدیک است و اگر این بست‌ها به اعلان برود، انتخابات متضرر خواهد شدبه تعویق انداخته بود وفقط نه بست ان ریفرم شده بود و از جمله بیست و چهار ولایت متباقی دیگر چهارده ولایت توسط سرپرستان اداره می‌شد و ده پست دیگر سرپرست هم نداشت و توسط مدیران و کارمندان دیگر کمیسیون سرپرستی می‌شدند.

یکی از دلایل که اعلان این پست‌ها به تاخیر افتاد، این بود که کمیسیون اصلاحات اداری ادعا داشت که این بست‌ها باید از طریق آنان به اعلان گذاشته شود و به همین دلیل ما یک ماه دیگر را نیز از دست دادیم تا این‌که کمیسیون اصلاحات اداری را قناعت دادیم که به اعلان گذاشتن این بست‌ها از صلاحیت کمیسیون مستقل انتخابات است، زیرا کمیسیون انتخابات یک کمیسیون مستقل است و هیچ ارگان دیگری حق دخالت در تقرری و یا استخدام کارمندان آنان را ندارد و در نهایت به این توافق رسیدیم که یک کمیته مشترک میان کمیسیون انتخابات و کمیسیون اصلاحات اداری افراد واجد شرایط را شارت لست و استخدام کند.

اکنون ده بست ریاست داخلی و ده بست ریاست ولایتی شارت لیست شده و استخدام ۲۳ هزار کارمند در تمامی ولایت برای پروسه ثبت نام رای‌دهنده‌گان و همین طور بست‌های قرار دادی جریان دارد.

باورها براین است که حکومت فعلی تمدید خواهد شد و انتخابات پارلمانی هم برگزار نخواهد شد، حالا براساس این گفته‌ها، آیا انتخابات برگزار خواهد شد؟

کمیسیون کار خود را طبق قانون انجام میدهد و مسایل سیاسی هیچ ربطی به کمیسیون ندارد و کمیسیون مطابق به قانون کار خود را به پیش خواهد برد و اما اگر کدام توافقی بین سیاسیون و حکومت صورت بگیرد، کمیسیون در آن دخیل نخواهد بود، اگر توافقی صورت بگیرد، یک بحث کاملاً جداست و کمیسیون در آن دخالتی نخواهد داشت؛ اما من مطمین استم که انتخابات در سال روان صورت خواهد گرفت و ما برای برگزاری انتخابات کاملا آماده هستیم.

بودجه انتخابات فراهم شده و مرکز ثبت نام رای‌دهنده‌گان متوازن سازی شده و پروسه ثبت نام به زودی آغاز میشود وکارمندانی که به این منظور استخدام گردیده کار خود را آغاز خواهد کرد؛ بنابراین ما برای برگزاری انتخابات آماده هستیم و برای برگزاری انتخابات هیچ مشکلی وجود ندارد.

افرادی که نفوذ مردمی دارند؛ اما مورد تایید زورمندان نیستند و حامی حکومتی ندارند؛ نگران اند که براساس فشارهای سیاسی و حکومت رای انان حفاظت نشود، رای شان دزدی شود، برای این افراد چه گفتنی دارید.

ما بارها تکرار کردیم که کمیسیون مستقل انتخابات توانایی حفظ استقلالیت خود را دارد و از رای مردم حفاظت خواهد کرد و تن به هیچ نوع فشار سیاسی نخواهد داد، تعهد ما این است که رای مردم ضایع نخواهد شد و بارها گفته‌ام که رای مردم پیش ما یک امانت است و آن را حفظ کرده و به کسی خواهیم داد که شایسته‌گی آن را دارد و افرادی را برنده معرفی خواهیم کرد که رای واقعی مردم را با خود داشته باشند.

بحث‌هایی که در مورد خود شما وجود دارد این است که می‌گویند، شما به انتخابات باور ندارید، به راستی چنین است؟

شما این را خوب می‌دانید که در افغانستان زمانی‌که یک فرد به یک پست و مقامی می‌رسد، بدون شک دوست و دشمن زیادی دارد، تبلیغاتی علیه او صورت می‌گیرد؛ بنابراین من این گفته‌ها را یک تبلیغ منفی برعلیه خود می‌دانم.

من یک استاد پوهنتون/ دانشگاه استم که تحصیلات عالی به سطح دوکتورا در بیرون از افغانستان در بهترین پوهنتون/ دانشگاه جهان اسلام در الازهر شریف را دارم و به عنوان یک استاد، انتخابات را یک اصل اسلامی و یک پروسه دموکراتیک می‌دانم و به آن باور دارمو ایمان دارم که انتخابات یک اصل اسلامی است.

به باور من راه شرعی و قانونی رسیدن به قدرت، برگزاری انتخابات است و کسانی‌که چنین تبلیغاتی می‌کنند، بدون شک به هدف تخریب پروسه انتخابات این کار را انجام می‌دهند.

بحث دیگری که در مورد شما وجود دارد این است که گفته می‌شود شما از حامیان گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسامی هستید و ممکن است که در انتخابات پیش روی از کسانی حمایت کنید که افراد وابسته به گلبدین حکمتیار باشند.

در زمان جهادمقدس مردم افغانستان، هرشخصی یا فردی افتخار عضویت در یکی از احزاب سیاسی جهادی را داشتند و بدون در نظرداشت قوم یا گروه عضو یکی از تنظیم جهادی بودند و این وظیفه ما بود که در کسب استقلال افغانستان سهمی داشته باشیم؛ اما اکنون استقلالیت خود را دارم، دیدگاه خود را دارم، بیش از هشت سال می‌شود که در پوهنتون/ دانشگاه کابل به عنوان استاد تدریس می‌کنم، مصلحت ها را درک کرده می‌توام و توانایی این را دارم که درک کنم چه چیز به مصلحت کشورم و به مصلحت مردم مسلمان افغانستان است، نزد من اکنون اولویت مصالح علیای کشور عزیزم و مصالح تمام مردم افغانستان است.

یعنی شما از حامیان گلبدین حکمتیار نیستید ؟

امروز هیچ کسی در افغانستان حامی ندارد، حمایت ما از پروسه های ملی ومصالح علیای کشور ما است ، خودم دیدگاه خاص خود را نسبت به قضایای افغانستان و مردم عزیزم دارم و شاید در مورد دیدگاه افرادی که مصالح علیای افغانستان را در نظر دارند، احترام قایل باشم؛ اما من دیدگاه خاص خود را با در نظرداشت مصالح علیای کشورم دارم و پستی که من در آن قرار دارم قانون به ما اجازه نمیدهد که عضویت حزب خاص را داشته باشم و من به قانون احترام دارم و تعهد سپردم که کارهای خود را در چاچوب قانون به شکل بی طرفانه به پیش ببرم مصلحت کشور عزیزم ومصلحت فرد فرد مردم مظلوم افغانستان در نظر من بالاتر از مصالح سیاسی قومی وتنظیمی است.

در پایانی اگر گفتنی داشته باشید، بفرمایید.

من به مردم عزیزم وعده می‌سپارم و بارها گفتم و بازهم تکرار می‌کنم که اجازه دخالت در کار کمیسیون انتخابات را به هیچ کسی نخواهیم داد، اما باید یادآور شد که کمیسیون به تنهایی در مقابل مداخلات غیر قانونی ایستاده‌گی کرده نمی‌تواند، قوت ما مردم ما، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و احزاب سیاسی که به دموکراسی باور دارند، است. بنابراین برای برگزاری یک انتخابات شفاف و سالم تمام این نهادها، احزاب باورمند به دموکراسی و مردم افغانستان با ما همکاری کند تا جلو تقلب، تخلف و مداخله زورمندان و کسانی‌که بالای کمیسیون فشار می‌آورند، گرفته بتوانیم و من این را وعده می‌دهم که هرگاه فشار و یا مداخله از هر طرفی که صورت گیرد، آن را با مردم افغانستان و رسانه‌ها شریک بسازیم، زیرا مصلحت مردم افغانستان برای ما بالاتر از هر مصلحتی است و خواهد بود.

تشکر از شما عبدالبدیع صیاد رییس کمیسیون مستقل انتخابات.
از شما هم تشکر.

مکتب حنفیانِ جدید

دکتر هجرت‌الله جبرییلی

بخش پنجم

پنج: جدید، نو، Modern، New

الف. مفهوم واژگانی به موارد زیر پرداخته می‌شود:

۱. ریشه‌شناسی: جَدید [مفرد]: ج أَجِدَّة وجُدَد وجُدُد (عبد الحمید عمر، ۱۴۲۹: ج۱، ۳۴۸ – ۳۵۰).

۲. معناشناسی: واژهٔ «جدید» از نظر واژه‌گانی به معناهای زیر به کار فته است: ۱) جدید، صفت مشبهه که دلالت بر چیزی دارد که نو شده باشد، به معنای ابتکار شده و نو شده، خلاف کهنه (عبد الحمید عمر، ۱۴۲۹: ج۱، ۳۴۸ – ۳۵۰). در فرهنگ‌های عربی معادل «جَدید» را «حَدیث» نوشته‌اند.

زمانی که مسلمانان با کلمات زبان غربی مواجه شدند، معادل‌های کلمهٔ جدید را در زبان انگلیسی، up to date: به روز شده، modern: معاصر، Fresh: تازه، New: نو، Recent: متأخر، Un-used: استعمال نشده، نوشته‌اند (قاموس المحدث، ص ۸۵۴۸).

ب. مفهوم دانش‌واژه‌یی

مفهوم دانش‌واژه‌یی «جدید » در میراث مسلمانان، ریشهٔ قرآنی، حدیثی و فقهی دارد که یک به یک به آن‌ها پرداخته می‌شود.

ج: مفهوم قرآنی دانش‌واژهٔ «جدید»

یک. آفرینش مجددِ انسان‌ها در سرای آخرت

قرآن کریم در آیات ۴۹ و ۵۰ سورهٔ إسراء از پندار و عقیدهٔ نادرست کافران سخن می‌گوید. پندار و خرد آنان توانایی درک «آفرینش جدید» پس از اسکلیت شدن و فرسوده‌گی جسدشان را نداشت و پاسخ آن‌ها را می‌دهد که الله متعال همچنان که قدرت «فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ؛ آفرینش نخستین» را داشت، توانایی « خَلْقًا جَدِيدًا؛ آفرینش جدید» را نیز دارد.

دو. آفرینش نسل فکری جدید

در آیات ١٦ و ١٧ سورهٔ فاطر، این گفتار از سنت الهی «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ ؛ بردن نسل فکری کهنه» و «وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ؛ آوردن نسل فکری جدید» سخن می‌زند. این دو دانش‌واژه جزو اصلی ساختار جهان‌بینی قرآنی در روزگار دنیاست و سنت تغییرناپذیر الهی است.

سنت الهی «إذهاب یا از میان بردن نسل فکری قدیم» و «إتیان یا به میان آوردن نسل فکری جدید» در روزگاران تاریخ انسان بوده می‌تواند، انسان مسلمان سنی یا شیعه و... و یا انسان مسلمان حنفی، شافعی و... باشد.

د: مفهوم نبوی دانش‌واژهٔ «جدید»

در احادیث نبوی، واژهٔ «جدید» هم به عنوان یک واژهٔ روزمره و هم به عنوان یک دانش‌واژه کاربرد داشته است. موارد کاربردی دانش‌واژهٔ «جدید» در سنت نبوی قرار زیراند:

یک. تجدید ایمان: در مستدرک حاکم از حضرت پیامبر اعظم، قرار گرفتن ایمان در معرض فرسوده شدن و کهنه‌گی روایت شده و به دعا برای تجدید ایمان تشویق شده است. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ الْإِيمَانَ لَيَخْلَقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلَقُ الثَّوْبُ الْخَلَقُ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُجَدِّدَ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ»(الحاکم النیسابوری، ١٤١١: ج١، ص ٤٥، ح رقم ٥) ؛ از حضرت عبدالله بن عمرو بن عاص روایت است که حضرت رسول‌الله فرمود: «همانا ایمان در درون دل شما در معرض کهنه شدن قرار می‌گیرد، مانند این‌که لباس کهنه می‌شود. شما از الله متعال بخواهید که ایمان را در دل شما تجدید و نوسازی نماید.

دو: تجدید عهد با قرآن کریم: حدیث‌شناس بزرگ، امام مسلم نیشاپوری روایت می‌کند: عَنْ أَبِي مُوسَى، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «تَعَاهَدُوا هَذَا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَلُّتًا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقُلِهَا.» (النیسابوری، صحیح مسلم، بیتا: ، ج١، ص ٥٤٥، ح رقم ٧٩١) ؛ از حضرت ابی موسی روایت است که حضرت پیامبر اعظم فرمود: «با این قرآن (تجدید) عهد کنید. سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، (دانش قرآنی) چنان از انسان فراموش می‌شود که شتر از گردنبند خویش می‌گریزد.

از حدیث فوق معلوم می‌گردد که نه تنها «ایمان» در معرض کهنه شدن و فرسوده شدن قرار می‌گیرد، بلکه رابطهٔ فکری انسان مسلمان با قرآن کریم که منبع ایمان‌ورزی، خردورزی و در یک کلمه همه دین‌ورزی است، در معرض فراموشی و فرسوده‌گی و قطع رابطه قرار می‌گیرد. راه‌حلِ آن تجدید عهد با قرآن کریم و پی‌درپی خواندن و خردورزی جدید در قرآن کریم است.

سه: تجدید توبه: نه‌تنها ایمان انسان در معرض آلوده‌شدن، فرسوده‌گی و کهنه‌گی قرار می‌گیرد. بلکه در اثر اعمال زشت شخصیت انسان مورد آلوده شدن و کهنه شدن قرار می‌گیرد که نیاز به تجدید شخصیت توسط توبه دارد.

عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «مَا كَانَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْكَذِبِ وَمَا جَرَّبَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَحَدٍ وَإِنْ قَلَّ فَيُخْرِجَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ حَتَّى يُجَدِّدَ لَهُ تَوْبَةً» (الحاکم النیسابوری، ١٤١١: ج٤، ص ١١١، ح رقم ٧٠٤٤) ؛ از حضرت ام‌المؤمنین عایشه روایت است که فرمود: «حضرت رسول الله به اندازهٔ دروغ، هیچ چیزی را بدتر نمی‌پنداشت. آن حضرت دروغ را از هیچ کسی نمی‌دید؛ اگر چه کم می‌بود، مگر آن‌که خودش بیرون می‌شد و به او تجدید توبه را می‌آموخت.

چهار: تجدید علایم مرزهای حرم مکی: در اصطلاح به نام «انصاب حرم» یاد می‌شود. در اسلام نه تنها موضوعات ایمانی و فکری باید تجدید شود، بلکه گاهی حدود و مرزهای حرم مورد در اثر گذر زمان و عوامل دیگر مورد تغییر قرار می‌گیرد که باید تجدید شود. نخستین کسی که دستور به تجدید علایم مرزهای حرم مکی داد، حضرت پیامبر اعظم بود.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الأَسْوَدِ بْنِ خَلَفٍ، عَنْ أَبِيهِ، «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَهُ أَنْ يُجَدِّدَ أَنْصَابَ الْحَرَمِ عَامَ الْفَتْحِ»(الطبرانی، ١٤١٥: ج١، ص ٢٨٠، ح رقم ٨١٦) ؛ از حضرت محمد بن اسود بن خلف و او از پدرش روایت است که همانا حضرت پیامبر اعظم به او دستور داد که در سال فتح مکه علایم مرزهای حرم مکی را تجدید نماید.

١ – حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحِ بْنِ هَانِئٍ، ثنا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ، ثنا أَبُو الطَّاهِرِ، أَنْبَأَنَا ابْنُ وَهْبٍ، أَخْبَرَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَيْسَرَةَ، عَنْ أَبِي هَانِئٍ الْخَوْلَانِيِّ حُمَيْدُ بْنُ هَانِئٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُبُلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. هَذَا حَدِيثٌ لَمْ يُخَرِّجْ فِي الصَّحِيحَيْنِ وَرُوَاتُهُ مُضْرِبُونَ ثِقَاتٌ، وَقَدِ احْتَجَّ مُسْلِمٌ فِي الصَّحِيحِ بِالْحَدِيثِ الَّذِي رَوَاهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَرَ، عَنْ الْمُقْرِئِ، عَنْ حَيْوَةَ، عَنْ أَبِي هَانِئٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحُبُلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ كَتَبَ مَقَادِيرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» الْحَدِيثَ . [التعليق – من تلخيص الذهبي] رواته ثقات (المستدرک عل الصحيحين، ج١، ص ٤٥ ، ح رقم ٥) .

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ بَرَّادٍ الأَشْعَرِيُّ، وَأَبُو كُرَيْبٍ، قَالاَ: حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، عَنْ بُرَيْدٍ، عَنْ أَبِي بُرْدَةَ، عَنْ أَبِي مُوسَى، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. وَلَفْظُ الْحَدِيثِ لاِبْنِ بَرَّادٍ –

(صحيح مسلم، ج١، ص ٥٤٥، ح رقم ٧٩١)

٢– حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، أَنْبَأَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَبْدِ الْحَكَمِ، أَخْبَرَنَا ابْنُ وَهْبٍ، أَخْبَرَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ أَيُّوبَ السَّخْتِيَانِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيرِينَ، عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ. هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ . [التعليق – من تلخيص الذهبي] صحيح .(المستدرک عل الصحيحين، ج٤، ص ١١١ ، ح رقم ٧٠٤٤).

٣– حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو الْبَزَّارُ، ثنا بِشْرُ بْنُ مُعَاذٍ الْعَقَدِيُّ، ثنا فُضَيْلُ بْنُ سُلَيْمَانَ، ثنا عَبْدُ اللهِ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ خُثَيْمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الأَسْوَدِ بْنِ خَلَفٍ، عَنْ أَبِيهِ. (المعجم الكبير لطبرانی، ج١، ص ٢٨٠، ح رقم ٨١٦) .

بخش چهارم

روح‌الله یوسف‌زاده

توسعهٔ پایدار فرایندی است که طی آن مردم یک کشور نیازهای خود را برآورده می‌سازند و سطح زنده‌گی خود را ارتقا می‌دهند، بی‌آن‌که از منابعی که به نسل‌های آینده تعلق دارد، مصرف کنند و سرمایه‌های آتی را برای تأمین خواست‌های آنی به هدر دهند. با این حساب، توسعه و پیشرفت را زمانی می‌توان «پایدار» خواند که مخرب نباشد و امکان حفظ منابع ـ اعم از آب، خاک، هوا، منابع ژنیتیکی، جانوری و... ـ را برای آینده‌گان فراهم آورد. شاید بهترین تعریف برای توسعهٔ پایدار تعریفی باشد که در گزارش برانتلند(Brundtland) با عنوان «آیندهٔ مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ م مطرح شده است: «توسعه‌یی که نیازهای زمانِ حال را برآورده می‌سازد بدون آن‌که از توانایی‌های نسل‌های آینده برای ارضای نیازهای‌شان مایه بگذارد.

توسعهٔ پایدار مفهومی بسیار کلیدی در سدهٔ بیست‌ویکم و دورهٔ شتاب در جهانی‌شدن است که جهل نسبت به آن، می‌تواند اضمحلال و نابودی محیط زیست و بشریت را به دنبال آورد. توسعهٔ پایدار، تلاش برای حمایت از آینده در زمان حال است که مفروضات زیربنایی و ایده‌آل‌های آن را می‌توان این‌گونه فهرست کرد:

یکپارچه‌گی اقتصادی ـ محیطی: تصمیماتِ اقتصادی باید با توجه به آثاری که بر محیط زیست می‌گذارند، اتخاذ شوند.

تعهد بین نسل‌ها: در زمان حاضر، تصمیمات باید با توجه به نتایجی که بر محیط زیستِ نسل‌های آینده دارند، اتخاذ شوند.

عدالتِ اجتماعی: کلیهٔ انسان‌ها دارای حقِ برخورداری از محیطی هستند که بتوانند در آن محیط رشد کنند و شکوفا شوند.

حفاظت محیطی: محافظت از منابع و حمایت از دنیای جانوری و گیاهی ضرورت دارد.

کیفیت زنده‌گی: تعریف گسترده‌تری از رفاه بشری باید ارایه شود، به نحوی که از محدودهٔ رفاه اقتصادی فراتر رود.

مشارکت: نهادها باید مجدداً سازمان‌دهی شوند به نحوی که از طریق آن‌ها امکان شنیده شدنِ کلیهٔ صداها در فرآیند تصمیم‌گیری فراهم آید.

توسعهٔ پایدار تذکر دهندهٔ این نکته است که جهانی شدن باید اصل پایداری در توسعه را محور بحث قرار دهد و از منافع کوتاه‌مدت و پایداری سطحی به سمتِ پایداری عمیق و بلندمدت و بنیادی هدایت شود. توسعهٔ پایدار ناظر بر این واقعیتِ انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. توسعهٔ پایدار با مد نظر قرار دادنِ مشکلات ایجاد شده از الگوی پیشرفتِ اقتصادی ـ صنعتیِ سرمایه‌دارانه و جهانی‌سازی، نکاتِ زیر را برجسته می‌سازد:

ـ کنار گذاشتنِ تصور قَدَرقدرتی انسان: این تصور که انسان مالک و قادر محیط خود است و هر کاری را می‌تواند انجام دهد. چنین تصوری غفلت از ظرفیت و نگهداشت و تحمل نظام‌های اکولوژیک از یک‌سو و نادیده گرفتنِ این واقعیت است که انسان فقط یک ارگانیسم از مجموعه ارگانیسم‌های محیط طبیعی است و نه بیشتر و باید روابط معقول و متداولی با دیگر موجودات نظام هستی کرهٔ زمین داشته باشد.

اکوسیستم بسیار مهم‌تر از درک و تصور فعلی است: کیفیت و کارکردهای اکوسیستم‌ها، به مراتب مهم‌تر از آن چیزهایی‌ست که در تصور عمومی و برنامه‌های توسعه‌یی وجود دارد.

آشتی توسعه و پایداری: فلسفهٔ اصلی توسعهٔ پایدار، آشتی میان توسعه و پایداری از طریق دقت و توجه کافی به همهٔ اهداف از نظر سیستمی و کل‌گرایانه است. توسعهٔ پایدار رشد را یک عامل اقتصادی می‌داند و بر پایداری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و طبیعی یا زیست‌محیطی تأکید می‌کند و به تلفیق اهداف اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی تا حدِ امکان و ایجاد رابطهٔ مبادله در جایی که تلفیق ممکن نیست، می‌پردازد.

نگاه نظام‌مند و کُل‌گرایانه: توسعهٔ پایدار با نگرش‌های تک‌بُعدی یا تک‌عاملی همخوان نیست و از نظر تلفیق اهداف در عرصه‌های مختلف، توجهی کُل‌گرایانه دارد و در بررسی پایداری درونی و بیرونیسیستم، از دید سیستمی استفاده می‌کند.

استفادهٔ عاقلانه از منابع: باید از منابع تجدیدپذیر استفاده کرد و در بهره‌برداری از منابع تجدیدناپذیر نیز اصل کارایی را رعایت نمود. کارایی مصرف منابع به معنای افزایش میزان تولید به‌ازای واحد مصرف منابع، کاهش هزینه، کاهش مصرف و باقی گذاشتن مقدار بیشتری از منابع برای نسل‌های آینده و مقدار کمتری ضایعات و آلوده‌گی برای نسل‌های بعدی است.

زیست و محیط جهانی‌شدن

پوچی آگاهانه

آلبر کامو

حمیدرضا محبوبی آرانی

نویسنده‌گان بسیاری دربارهٔ پوچی و معنای آن نوشته‌اند؛ از کی‌یرکگارد، فیلسوف خداباور گرفته تا سارتر، فلیسوف ملحد. هر یک از این فیلسوفان، تفسیرهای خاص و گاه بسیار متفاوتِ خود را از آن عرضه داشته‌اند. آلبر کامو، بیش از سایر اندیشمندان به مسالهٔ پوچی و توصیف آن پرداخته است و سعی کرده تا در فُرم‌های ادبی و با به‌دست دادن نمونه‌هایی عینی از قهرمانی پوچ، معنای آن را هرچه بیشتر روشن کند. اما، با وجود تاکید کامو بر پوچی، پوچی نه تنها ـ دست‌کم به نظر خود او ـ نتیجه فلسفهٔ او نیست، بلکه در واقع این مفهوم نقطهٔ عزیمت فلسفی او را فراهم می‌آورد. وظیفه و کوشش فلسفی کامو درست پس از توصیف پوچی و بی‌معنایی زنده‌گی انسان مدرن غربی شروع می‌شود؛ کوششی بلندپروازانه در نشان دادن راهی به انسان مدرن غربی برای بیرون آمدن از پوچی و نیهیلیسمی فراگیر؛ راهی برای زیستن و آفریدن در خود برهوت و تسلیم نشدن به نیستی. نوشتهٔ حاضر به جنبهٔ نخست و مقدماتی فلسفهٔ کامو، یعنی توصیف او از پوچی می‌پردازد.

آلبر کامو (۱۹۹۰-۱۹۱۳) در ۱۹۵۷ جایزهٔ نوبل را در رشتهٔ ادبیات به‌خاطر روشن ساختن مسایلی که بر وجدان انسان [غربی] این روزگار سنگینی می‌کند، برد و سه سال بعد در یک حادثهٔ تصادف موتر که راننده‌گی آن را دوست و ناشرش بر عهده داشت، درگذشت. (سال‌ها پیشتر کامو در جایی اظهار کرده بود که پوچ‌ترین طرز مردن، مردن در حادثهٔ تصادف موتر است.)

شهرت کامو به عنوان یک نمایشنامه و رمان‌نویس، غالباً چهرهٔ فلسفی او را در پردهٔ یک نویسندهٔ صرف پوشانده است. در این میان، به ویژه فرانسویان متمایل اند که از شان و مقام فلسفی کامو در مقایسه با آن‌چه آن‌ها نبوغ فکری ژان پل سارتر، فیلسوف فرانسوی همان روزگار، می‌خوانند، هرچه بیشتر بکاهند. اما مهم‌ترین اثر فلسفی کامو، یعنی اسطورهٔ سیزیفوس، واجد اندیشه‌ها و آرای فلسفی ارزشمندی، به ویژه دربارهٔ پوچی و شیوهٔ مواجهه با آن است که دست‌کم به لحاظ اهمیت در مقایسه با اندیشه‌های سارتر هیچ کم نمی‌آورند. کامو در آغاز کتاب خود، اسطورهٔ سیزیفوس، می‌نویسد: تنها یک مسالهٔ به راستی جدی فلسفی وجود دارد، و آن مساله خودکشی است؛ به دیگر بیان، مسألهٔ اصلی فلسفه، داوری در این‌باره است که آیا زنده‌گی ارزش زیستن دارد یا نه؟ اگرچه این پیوند میان مسالهٔ معنای زنده‌گی و خودکشی، تا حد زیادی تکان‌دهنده است، اما به یقین کامو را می‌توان در این مورد بر حق دانست: اگر زنده‌گی به راستی ارزش زیستن ندارد، پس تنها راهی که پیشاروی ما می‌ماند، خودکشی است؛ اما برعکس، اگر زنده‌گی ارزش زیستن دارد، طبیعی است که مسالهٔ خودکشی منتفی می‌گردد. به عبارت دیگر، مسالهٔ خودکشی، تعبیر دراماتیکی از مسالهٔ معنا و ارزش زنده‌گی است: آیا زنده‌گی آدمی هیچ معنایی دارد؟

گفتن این‌که پرسش از ارزش و معنای زنده‌گی، به طرح یک مسالهٔ جدی فلسفی می‌پردازد، در واقع به منزلهٔ اذعان بدین نکته است که پاسخ به این پرسش چندان سرراست و روشن نیست. به تعبیر دیگر، طرح چنین پرسشی به عنوان یک مسأله، متضمن این معناست که چیزی دست‌کم ما را به سوی طرح پاسخی منفی به این پرسش تهدید می‌کند. از این‌رو در وهلهٔ نخست، باید بدانیم این تهدید از سوی چه چیزی و دقیقاً متوجه چه کسانی است؟

توجه به این نکته مهم است که در این‌جا برای کامو مسالهٔ بی‌معنایی و بی‌ارزشی زنده‌گی یک فرد انسانی (مثلاً من یا شما) مطرح نیست(آن‌هم به دلایلی هم‌چون از دست دادن معشوقه یا ارتکاب جنایتی که هرگز وجدان فرد را آسوده نمی‌گذارد). در برابر، این مساله برای کامو، مسالهٔ پوچی و معناباخته‌گی کل حیات بشری در همهٔ اعصار هم نیست(کامو به چیزی هم‌چون خواست شرورانه شوپنهاور که بنیاد هستی را تیره و تار می‌گرداند و از اساس امکان وجود هرگونه معنا و هدفی را منتفی می‌سازد، قایل نیست)، بلکه به طور خاص اندیشهٔ کامو متوجه یک دوران و وضعیت خاص تاریخی است. به نظر کامو، چیزی وجود دارد که نزدیک است تا بی‌ارزشی و بی‌معنایی زنده‌گی و هستی انسان مدرن غربی را برملا سازد؛ چیزی که او پوچی می‌خواند (سارتر نیز در فلسفهٔ خود به این مفهوم نظر دارد، اما باید توجه داشت که برداشت کامو تا اندازه‌یی متفاوت از برداشت سارتر از این مفهوم است.)

کامو در توضیح پوچی، آن را حاصل گونه‌یی گسسته‌گی و عدم تناسب عمیق میان طریقی که آدمی می‌خواهد جریان امور در جهان بر آن گونه باشد و طریقی که به واقع جریان امور در جهان بر آن مدار می‌چرخد، می‌داند. چارلی چاپلین (مثال از کامو نیست) امری پوچ است، آن‌هم به سبب گسسته‌گی و عدم تناسب موجود میان شان و منزلتی که بناست کلاه لُگنی روی سر او و چتر در دست او حاکی از آن باشند و در برابر، حوادث بی‌اندازه فضاحت‌باری که پشت سر هم برای او اتفاق می‌افتند (مثلاً چارلی روی پوست یک موز لیز می‌خورد، یا دیوار خانه روی سرش خراب می‌شود). به بیان کامو، پوچی به طور کلی، زادهٔ مواجهه میان نیاز انسان و [آن‌گونه که در چشم ما می‌نماید] سکوت نامعقول جهان است.

اما پوچی به معنای واقعی کلمه چیست و کدام است؟ و آن چه خواست و تمنای بنیادینی است که جهان در قبال برآوردن آن، خاموش و بی‌پاسخ مانده است؟ به نظر کامو، این نیاز و خواستهٔ اصلی، تمنای معنای زنده‌گی است، خواست این‌که ایدهٔ والاتر و متعالی‌تری [از زنده‌گی] وجود داشته باشد که به هستی و زنده‌گی معنا ببخشد.

به دیگر بیان، این تمنا و به بیان دقیق‌تر، نیاز، نیازی است برای نیل به تبیینی از معنای زنده‌گی، آن‌هم در همان قالبی که پیشتر روایت‌های فلسفی و دینی با طرح جهانی دیگر در فراسوی این جهان، معنای زنده‌گی را تبیین می‌نمودند. این نیاز، به تعبیر نویسنده، نیازی است برای تبیین معنا بر حسب یک روایت کلان. اما ما به چه قسم روایت کلان معنابخش برای برآوردن این نیاز بنیادی‌مان احتیاج داریم؟

کامو در اسطورهٔ سیزیفوس، فقدان ارزش و معنا در زنده‌گی انسان غربی را با ناتوانی او در باور به خداوند گره می‌زند . پس با این صورت، آن روایت کلان معنابخشی که کامو به‌طور خاص مد نظر دارد، ظاهراً باید روایت کلان مسیحیت باشد. اما او در جستاری به سال ۱۹۵۳ با عنوان هنرمند و زمانه‌اش، به این نکته اشاره می‌کند که مارکسیسم هگلی در باطن خود، چیزی جز انتقال ملکوت مسیحی از آسمان روی زمین، آن‌هم در زمانی در آینده جهان نیست (یعنی ملکوتی که با ظهور بهشت کمونیستی در آینده برای آدمیان و روی همین زمین متحقق خواهد شد). به همین دلیل کامو، در دفاع از خود در برابر منتقدان مارکسیستی هم‌چون سارتر، مارکسیسم را نیز اسطوره‌یی نو به شمار می‌آورد. بدین گونه به نظر می‌رسد که در نظر کامو، پوچی زنده‌گی بشر غربی، نه تنها ناشی از افول ایمان مسیحی در میان غربیان، بلکه هم‌چنین ناشی از ناکارآمدی و بی‌ثمری همهٔ دیگر روایت‌های کلانی هم‌چون مارکسیسم است که می‌خواستند جای مسیحیت را بگیرند.

پس با این ترتیب و به نظر کامو، پوچی زنده‌گی بشر غربی، ناشی از گسسته‌گی اساسی و ریشه‌یی که از یک‌سو تمنای این انسان برای یافتن معنا در زنده‌گی خود، آن‌هم بر مبنای یک روایت کلان و از سوی دیگر، عدم توانایی او برای یافتن چنین معنایی در بطن واقعیت جهان است. در واقع، به نظر کامو، طرز تلقی بشر غربی از واقعیت به گونه‌یی است که او نمی‌تواند روایت کلان معنابخشی را از بطن آن استخراج کند.

در این حالت آدمی، تجربهٔ تهوع و دل‌آشوبه را هم‌چون بینش و بصیرتی سرنوشت‌ساز در خصوص حقیقت و واقعیت غایی جهان و زنده‌گی می‌شمارد؛ یعنی بصیرت به این واقعیت که زنده‌گی در جهانی پوچ و به تعبیر دیگر زنده‌گی بدون روایت‌های کلان معنابخش دینی و یا فلسفی، به هیچ‌وجه ارزش زنده‌گی کردن را ندارد.

قابلیت‌های مادهٔ خام در اثر داستانی

خیامی

چگونه‌گی تکوین یک اثر هنری، قبل از هر چیز، بیانگر بیان نمادین فردیت خلاق هنرمند است. این‌چنین است که بین هنرمند، مادهٔ خام هنری، و اسلوب هنری، رابطه‌یی متقابل ایجاد می‌شود، که نتیجهٔ آن «هنر» است. هنری که در همان حال، بیانگر نوعی سبک پالایش یافته، با ویژه‌گی دو روی سکه «یعنی فردیت هنرمند و داده‌های اجتماعی» نیز می‌باشد.

اثر داستانی زمانی روند تغییر ماهیت را، از مادهٔ خام هنری، تا تعمیم آن به عنوان ژانر (۱)، طی می‌کند که؛ نگرشی تبیین یافته، به عنوان جهان‌بینی، در ذهن هنرمند شکل یافته، و در کار شکل دادن قطعه‌یی باشد که فردیت خلاق و تجارب اجتماعی «زنده‌گی»، آن را سیراب کرده است. درست در همین‌جا، مسألهٔ قابلیت‌ها، که پیشتر از آن یاد شد، مطرح می‌شود. کدام عناصر در مادهٔ خام، نمایانگر قابلیت‌ها، برای تعمیم‌پذیری هنری می‌باشند؟

واقعیت این است که: پدیدهٔ هنری به مثابه یافته‌یی عینی، همراه با تمامی تغییرات زنده‌گی و مفاهیم ذهنی، دچار تغییر شده، و چهارچوب‌های قراردادی آن شکسته، و بر بستر نوینی، شکل می‌یابد. مصداق قانون در ادبیات، و در بحث ما داستان، جز در موارد مربوط به ذات پدیده‌های هنری، یعنی آمیخته‌گی اندیشه، احساس، خلاقیت، و مجردات زیبایی‌شناسانه، مطرح نمی‌باشد. بر این اساس، هر آن‌چه را که با این ماهیت قرابتی دارد، می‌توانیم در مورد مادهٔ خام داستانی مطرح کنیم:

۱ـ جهان‌بینی:

جهان‌بینی، به عنوان بخشی از ذات «اندیشه»، و اثر هنری، گام اول در ارایهٔ اثر داستانی است، که از یک‌سو به هنرمند، و از سوی دیگر، به مادهٔ خام داستانی، متصل است. نویسنده به عنوان آفریننده، باید این حس تشخیص را در خویش پرورانده باشد که: آیا مادهٔ خام، قابلیت تعمیم هنری، بر اساس دیدگاه و جهان‌بینی وی از یک‌سو، و هم‌چنین خود او، توانایی بسط نگرش بر بستر چنین مادهٔ خامی، از سوی دیگر را، دارد یا خیر؟ اثر و موثر، باید تبلور همایشی همسو باشند تا بتوانند خواننده را نیز با خود همراه کنند، و این ممکن نیست جز در هم‌آوایی قابلیت‌ها؛ قابلیت‌هایی در آن‌که می‌نگرد، و نوعی که می‌بیند، و هم‌چنین، آن‌چه خود را می‌نمایاند با اندازه‌های نرمش‌پذیر.

۲- پروتو تیپ:

پروتوتیپ، به عنوان شخصیتی که قابلیت تعمیم و بسط هنری دارد، رابطهٔ تنگاتنگی با احساس و سپس عاطفهٔ هنرمند برقرار می‌کند. نویسنده نمی‌تواند و نباید نسبت به دقت در انتخاب پروتوتیپ بی‌تفاوت و یا احتمالاً سهل‌انگار باشد. یک اثر، زمانی خیره‌کننده‌گی یک کشف نو را دارا می‌شود که: پروتوتیپ، قابلیت انعطاف، بسط، ترکیب و عمق‌پذیری را دارا باشد. مطمیناً هیچ‌کس به غیر از راسکولنیکوف نمی‌توانست آن‌چنان قابلیت‌هایی از خویش نشان دهد که «داستایفسکی» بتواند او را در هر موقعیتی که اندیشه و احساسش می‌طلبد، قرار دهد. اما در بحث ما «داستان»، پروتوتیپ وظایفی را از این‌هم بالاتر به دوش می‌کشد. نوعی حضور شاعرانه، آن‌چنان که چون آذرخش ظاهر، و چون آتشی به زیر خاکستر محو شود. برق او تنها فرصتی اندک دارد تا بتواند چشمان‌مان را خیره کند.

۳- نیاز زمانی و مکانی:

هیچ چیز، برای هیچ، خلق نمی‌شود. این، یک اصل، برای تمامی آن چیزهایی است که با هنر مرتبط اند.

زمان و مکان، به عنوان دو عامل تعیین‌کننده در مکانیزم عمل داستانی، باید تابعی از دینامیسم نیاز انسانی و اجتماعی، در یک عصر، و یک موقعیت مشخص، باشند. هرچند که هنر، مرزهای زمان و مکان را در می‌نوردد، اما این، خصایص انتزاعی اندیشهٔ هنری هستند که مرزها را می‌پیمایند، و نه نیازی که موجبات پدید آمدن پدیدهٔ هنری «داستانی» را فراهم نموده است. این‌چنین است که خلق یک اثر، در وهلهٔ اول، پاسخ به یک نیاز است؛ نیازی که طبیعتاً انگیزه را نیز فراهم می‌آورد و گاهی خود، تنها انگیزه برای خلق یک اثر است.

مادهٔ خام هنری، باید دارای آن‌چنان ویژه‌گی‌هایی باشد که چنین نیازی را، در ماهیت خود، پاسخگو باشد. بر این اساس است که مثلاً: رستم افسانه‌یی، امروز، نمی‌تواند دست‌مایهٔ مناسبی برای خلق روایتی حماسی شود. جنگ‌های قرون وسطی نمی‌توانند امروز، به نیازی «به عنوان مادهٔ خام داستانی» پاسخ دهند. همان‌گونه که هواپیماربایی، نمی‌توانسته است مادهٔ خامی برای «هومر» و برای خلق اثری چون «ایلیاد و اودیسه» شود! نوشتهٔ خود را با کلامی از «ولادیمیر پراپ» به پایان می‌برم: «...کار سخت و «ناجالب» تنها راهی است که به تعمیم‌های «جالب» می‌انجامد!».

زیرنویس:

۱- ژانر: نوع ادبی. رسیدن به ویژه‌گی‌های معنایی.

۲- پروتوتیپ: پیشین تیپ، تیپی که قابلیت تبدیل شدن به قهرمان را دارد.

۳- ریخت‌شناسی قصه ـ ولادیمیر پراپ ـ ص ۳۷ (انتشارات روز ـ ۱۳۶۸) مترجم: م ـ کاشیگر.

سالانه ۷۰درصدِ عواید وزارت ترانسپورت حیف و میل می‌شود

وزیر ترانسپورت و هوانوردی ملکی می‌گوید که به دلیل نبود سیستم الکترونیکی و شفافیت در جمع آوری عواید، سالانه حدود ۷۰درصد عواید این وزارت حیف و میل می‌شود.
حمیدالله طهماسی، وزیر ترانسپورت و هوانوردی ملکی روز گذشته (شنبه،۱۱ حمل) در یک نشست خبری در کابل گفت که ٦٠تن از کارمندان وزارت ترانسپورت به دلیل فساد اداری به دادستانی کل معرفی شده‌اند.
آقای طهماسی تأکید کرد که این افراد در ۱۸ پرونده به دادستانی کل معرفی شده‌اند که شامل رییسان، آمرین و مدیران این وزارت است.
این افراد به گفتهٔ وزیر ترانسپورت در فساد برخی قرار دادهای وزارت ترانسپورت، اقلام تدارکاتی وجایدادهای این وزارت به ویژه ملی بس، متهم اند.
طهماسی افزود که این وزارت تلاش دارد تا از حیف و میل عواید این نهاد جلوگیری کرده و سیستم‌های الکترونیکی را برای جمع آوری عواید ایجاد کند.
وزیر ترانسپورت گفت:« سالانه ٦٠ تا ۷۰ درصد عواید ما ضایع می‌شود ما قبول داریم.»
آقای طهماسی در بخش دیگر از سخنانش گفت که در حال حاضر بیش از هزار عراده ملی بس در ریاست تصدی ملی بس‌ها موجود است که از این میان ۲۹۰ ملی بس آن فعال است.
او بیان داشت که این نهاد با امضای تفاهمنامه‌یی با سفارت هندوستان، به زودی کار ترمیم ملی بس‌های غیر فعال را آغاز می‌کند.
وزارت ترانسپورت و سفارت هند در افغانستان به ارزش ۲.۸ میلیون دالر تفاهم‌نامه امضا کرده است.
سفارت هندوستان در کابل وسایل وپرزه جات ملی بس را فراهم می‌کند تا از آن برای ترمیم و فعال سازی ملی بس هایی که عوارض تخنیکی دارند، استفاده شود.

جوانان صلح‌جوی هلمندی روانه‌ی بیمارستان شدند

اقبال خیبر، یکی از اعضای جنبش جوانان هلمندی می‌گوید که شب‌هنگام وضعیت صحی ٤ تن از اعتصاب‌کنندگان وخیم شد و آن‌ها برای درمان به بیمارستان انتقال داده شدند.
به گفتهٔ آقای اقبال، جوانان هلمندی می‌خواستند به مناطق طالبان بروند، اما این گروه با خواست آنان مخالفت کرد.
آقای اقبال می‌افزاید، مقام‌های محلی هلمند خواست آنان مبنی بر آتش‌بس را پذیرفته‌اند؛ اما می‌گویند، زمانی آتش‌بس می‌کنند که طالبان خواست‌های آنان را بپذیرند.
میرویس پاسون، یکی از بزرگان هلمند به سلام‌وطندار می‌گوید، برپا کردن چادر صلح یک گام ارزنده برای تأمین صلح در کشور است و باید حکومت از آن حمایت کند.
با این حال اما، طالبان به برپا کنندگان چادرهای صلح گفته‌اند که صلح را از آنان نه بلکه از امریکایی‌ها بخواهند.
در همین حال، شماری از فعالان مدنی در کابل امروز با برگزاری نشستی از برپاکنندگان چادر صلح در هلمند حمایت کردند.

فرد شماره دو شورشیان چینی در بدخشان کشته شد

منابع محلی در شمال شرق افغانستان گفته‌اند که مصطفی نومی، فرد شماره دو گروه موسوم به ترکستان شرقی و یک عضو دیگر این گروه در علمیات نیروهای امنیتی کشور کشته شده‌اند.
مقامات چین ‹جنبش اسلامی ترکستان شرقی›، گروهی که از اقلیت مسلمان اویغور تشکیل شده، را مسئول خشونت‌ها در منطقه سین‌کیانگ می‌دانند.
محمد حنیف رضایی، مسوول مطبوعاتی لشکر ۲۰۹ شاهین مربوط به ارتش افغانستان به بی‌بی‌سی گفت که این دو شورشی چینی همراه با پنج عضو محلی گروه طالبان در ولسوالی جرم ولایت بدخشان کشته شده‌اند.
آقای رضایی همچنین گفته است که عملیات در این ولسوالی از سه روز پیش آغاز شده و ۱۳ جنگجوی دیگر گروه طالبان نیز زخمی شده‌اند.
گروه طالبان نیز انجام عملیات نظامی در ولسوالی جرم این ولایت را تایید و گفته که در این عملیات غیر نظامیان کشته شده و به نیروهای آنان آسیب نرسیده است.
اما سخنگوی لشکر ۲۰۹ شاهین گفت که در عملیات شب گذشته موسوم به «کوکچه ۱۸» در ولسوالی جرم به غیر نظامیان آسیب نرسیده‌است.
آقای رضایی گفت که دو قرارگاه طالبان تخریب و عملیات نیروهای ارتش همچنان ادامه دارد.
به گفته او در ولسوال ورودج، جرم و یمگان ولایت بدخشان نیروهای شورشی مربوطه به کشورهای چین، تاجیکستان، ازبکستان، چچن، و شورشیان قرقیزستان حضور دارند.
او گفت که این اولین اتباع چین هستند که در ولایت بدخشان کشته می‌شوند.
به گفته آقای رضایی، چندی قبل نیز در ولایت جوزجان یک زن فرانسوی عضو گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) توسط نیروهای ارتش بازداشت شد.
شمار دقیق شورشیان خارجی در ولایت بدخشان مشخص نیست اما محمد مصطفی، مدیر اجرایی و سرپرست ولسوالی جرم گفته که ۵۰ جنگجوی چینی اکنون در این ولسوالی حضور دارند.
گفته می‌شود که از حدود پنج سال پیش چندین شورشی اویغور از طریق خاک تاجیکستان وارد ولسوالی‌های وردوج و جرم بدخشان شده بودند و در کنار طالبان قرار گرفتند.
بیشتر شورشیان خارجی مستقر در افغانستان عضو گروه داعش هستند. گروهی که دولت افغانستان اعلام کرده که حدود دوهزار از اعضای آن در عملیات نیروهای امنیتی این کشور کشته و فقط یک هزار نفر آنان باقی مانده‌است.
گروه طالبان حضور نیروهای خارجی را در صفوف این گروه رد کرده و گفته که هیچ جنگجوی خارجی در کنار آنان نمی‌جنگند.
نیروهای امنیتی بارها گفته که شمار از جنگجویان پاکستانی در حملات طالبان مشارکت دارند. ماه گذشته هم سربازان افغان ویدیویی را از یک شهروند آلمانی در ولایت هلمند منتشر کردند که بر اساس اعلام دولت افغانستان مشاور ورزیده ترین نیروهای طالبان، معروف به واحد سرخ بوده است.
با افزایش عملیات علیه پایگاه های داعش در شرق افغانستان، گفته می‌شود که شماری از این نیروها به ولایت‌های شمالی افغانستان از جمله ولایت جوزجان رفته‌اند.
براساس اعلام منابع محلی شب گذشته نیروهای امریکایی سه جنگجوی ازبکستانی را از ولسوالی درزاب ولایت جوزجان با خود برده‌اند.

غنی دستور داده که نمایندگان...

ریاست جمهوری ٤ ماه تفاوت دارد؛ بناً برای جلوگیری از مصارف گزاف در برگزاری دو انتخابات پی هم باید هردو انتخابات همزمان برگزار شود».
آقای سلجوقی افزود برای برگزاری هرکدام از انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری ۱۵۰ میلیون دالر پیشبینی شده است و اگر هردو انتخابات همزمان برگزار شود ۱۵۰ میلیون دالر صرفه جویی خواهد شد و این پول برای نجات مردم از گرسنگی به مصرف رسد.
این در حالی است که کمیسیون انتخابات تاریخ جدید برگزاری انتخابات پارلمانی وشوراهای ولسوالی را ۲۸ میزان ۱۳۹۷ تعیین کرده است و قرار است کمیسیون رسماً این تاریخ را به مردم افغانستان اعلام کند.
بربنیاد ماده ٦١ قانون اساسی وظیفه رییس جمهور در اول جوزای سال پنجم پایان می‌یابد و انتخابات ریاست جمهوری در خلال ۳۰ الی ٦٠ روز قبل از این تاریخ باید برگزار گردد.

افق‌های صلح گشوده...

رویکرد دو سلف خود را با فرستادن سربازان ایالات متحده به این کشور تعقیب کرده است. استراتژی جنوب آسیای او شامل وارد کردن فشار بر پاکستان می‌شد که آن کشور را به «فراهم کردن پناهگاه‌های امن برای تروریستانی که ما با آنان در جنگ هستیم» متهم کرد و کمک‌های امنیتی‌اش به اسلام‌آباد را معلق ساخت. او همچنان از هندوستان خواست که بیشتر کار کند. به عنوان بخشی از این تلاش‌ها، ایالات متحده به نیروهای افغان کمک می‌کند تا با طالبان بجنگند «تا آنان را به میز مذاکرات صلح بکشانند».
طالبان به عنوان پرقدرت‌ترین گروه شورشی در افغانستان باقی مانده‌اند. اعضایش افغان‌ها هستند(برخلاف دیگر گروه‌ها که بسیاری از خارجی‌ها در میان‌شان حضور دارند). این گروه از برخی حمایت‌ها در میان مردم برخوردار است و حدود یک سوم کشور را در کنترل دارند ـ قلمرو زیادتر از هر زمان دیگری از زمان یورش ایالات متحده بر این کشور در سال ۲۰۰۱(حکومت افغانستان تمامی مراکز عمده جمعیتی را در کنترل دارد.) آن‌چه را که در تمام این تلاش‌های بین‌المللی برجسته می‌باشد، این است که زمانی که جامعه بین‌المللی می‌خواهد یک پروسه اصلاحی میان دولت افغانستان و طالبان ایجاد کند، بسیاری از قدرت‌های جهانی که در این کشور در طول دهه‌ها ـ اگر نه قرن‌ها ـ دخالت داشته‌اند، هنوز در آن‌چه که درون این مرزها اتفاق می‌افتد، نفوذ می‌کنند. جنرال جان نیکلسون، فرمانده کل نیروهای آمریکایی در افغانستان، هفته گذشته به بی‌بی‌سی گفته است که سلاح کشف و ضبط شده از جنگجویان طالب به وسیله روسیه، به این گروه عرضه شده است.(روسیه که تاریخ دردناکش در افغانستان به قرن نوزده برمی‌گردد، این ادعا را رد کرده است.) گزارش شده است که روسیه از طالبان حمایت می‌کند تا در برابر گروه داعش که در کشور پا گرفته است، بجنگند. حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی افغانستان، هفته گذشته به واشنگتن گفت که کابل با تمایزات مسکو «میان تروریست خوب و بد» مخالف است.
او گفت: «به ما این تضمین داده شده است که برای طالبان سلاح و منابع عرضه نخواهد شد، ما از این تضمین استقبال خواهیم کرد و ما دوست داریم که آن را در عمل مشاهده کنیم».
همسایگان افغانستان علایق خودشان را دارند ـ علایقی که غالبا با هم در تضاد می‌باشد و همین طور با دولت افغانستان. پاکستان؛ متحد و ذینفع عمده طالبان، از قرار گرفتن در بین دو همسایه غیرصمیمی، افغانستان و هند می‌ترسد.
هند، به نوبه خودش از چشم‌انداز خروج سربازان بین‌المللی از افغانستان، به خاطری که آن‌ها ثبات را در منطقه تأمین می‌کنند، نگران است. ایران که در غرب با افغانستان هم‌مرز است نیز طالبان را حمایت می‌کند. چین هم برای مؤفقیت پروژه یک کمربند ـ یک راه خود، ثبات را در افغانستان عامل بزرگی می‌داند. چین در عین حال از حضور جدایی‌طالبان ایغور در افغانستان نگران است؛ ازبکستان نیز در این راستا مورد توجه است، چرا که با ملیشه‌های اسلام‌گرا در داخل مرزهایش مبارزه می‌کند.
اتمر گفته که تعداد جنگجویان خارجی در افغانستان افزایش یافته‌اند، در حالی‌که تعداد نیروهای بین‌المللی در چهار سال اخیر کم شده است. او گفت که هدف دولت این بود که «طالبان افغان را از جنگجوهای خارجی جدا سازند. و این‌که ما می‌توانیم با آنان به صلح برسیم، زیرا آن‌ها افغان اند ـ اگر آن‌ها علاقمند صلح باشند».
اگر طالبان پیشنهادات غنی را برای صلح بپذیرند،(یک اگر بزرگ) این اولین ملاقات رهبری این گروه با مقامات دولت افغانستان از سال ۲۰۱۰ خواهد بود. آن تلاش اولیه پس از این‌که یک عضو کلیدی رهبری طالبان توسط پاکستان دستگیر گردید، ناکام شد. تلاش‌های متعاقب نیز فراموش شدند. حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین افغانستان در سال ۲۰۱٤ تلاش کرد تا به صورت پنهانی با طالبان صحبت کند، اما اداره اوباما مانع تلاش‌های او شد. کرزی خودش با تلاش‌های قبلی ایالات متحده برای مذاکره با شورشیان مخالفت کرده است. نقش ایالات متحده در افغانستان از سال ۲۰۰۱ تغییر کرده است. در طول جنگ با تروریزم، در حدود ۱۰۰ هزار سرباز آمریکایی در این کشور بودند. امروز آن تعداد به ۱۵ هزار رسیده است، که به نظامیان افغان در مبارزه با طالبان و تروریستان بین‌المللی به شمول داعش کمک می‌کنند.
اتمر، مشاور امنیت ملی افغانستان، در مورد این‌که آیا طالبان هنوز یک‌پارچه هستند، شک و تردیدهایی دارد. او چنین استدلال می‌کند، به خاطر این‌که این گروه آن رهبری قدرتمند را از دست داده است، با نفوذ خارجی‌ها گردهم آورده شده‌اند. او گفت: «این‌که رهبرانی در میان طالبان هستند... که خواستار تداوم منازعه می‌باشند و آنان یقینا با شورای صلح و با حکومت ما در تماس می‌باشند، و آنان خواستار پروسه‌یی هستند که طی آن خود و خانواده‌های‌شان بتوانند در فضای صلح و مصئون بمانند». او می‌گوید، اما عناصری هم وجود دارند که غیرقابل قبول می‌باشند. او می‌گوید، حکومت افغانستان با یک گروه مشغول‌شده و با دیگری خواهد جنگید .
اما روبین که در گذشته به عنوان یک دیپلمات آمریکایی کار کرده و با طالبان صحبت نموده است، می‌گوید که نظامیان اندکی، کم‌تر از آنچه تصور می‌شود، تقسیم شده‌اند. او می‌گوید: «باور کلیشه‌یی در مورد طالبان وجود دارد که آن‌ها یک مجموعه از افراد قبایل جدا از هم هستند که این واقعیت ندارد. آن‌ها دارای زبان واحد می‌باشند و در واقع در سیاست‌های‌شان بیشتر از حکومت افغانستان یا آمریکا باثبات اند».

اسلام بخشی از...

تأکید بر مبارزه علیه یهودی ستیزی

رییس پارلمان آلمان فدرال برای مبارزه قاطعانه علیه یهودی ستیزی فزاینده فراخوانده گفت که این پدیده با مهاجرت و نیز با دامن زدن به نفرت در برابر اسرائیل توسط نیروهای افراطی از جهان اسلام بار دیگر تقویت می یابد. به قول شویبله این امر نشان می دهد که وظیفه جامعه های آزاد تاچه حدی بزرگ است. شویبله توضیح داد که دستاورد های مانند تسامح و آزادی دینی را باید تحت شرایط سریع متغیر و مهاجرت عظیم عملی کرد.
این سیاست مدار از حزب دموکرات مسیحی آلمان تاکید کرد که اما یهودی ستیزی مشکل ویژه مسلمانان نیست.
شویبله نفرت رو به افزایش علیه یهودی ها را «آزمون سخت برای دموکراسی های غربی» خوانده تاکید کرد که آلمان یهودی ستیزی را کمتر از هر کشوری دیگری تحمل می کند. او افزود: «مبارزه علیه یهودی ستیزی دقیقاً به اجماع تاسیس جمهوری فدرال آلمان تعلق دارد.»

فیسبوک نامه

فرید مزدک

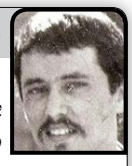

بازهم انتخابات نزدیک است. همه مهربان می‌شوند و یادِ دوستان قدیم می‌کنند. شوقی‌های قدرت به کشف‌های نو می‌رسند و دست به کارهای خوش‌آیند مردم می‌زنند. تا پایان انتخابات مردم سازنده‌گان واقعی تاریخ و صاحبان اصلی وطن می‌شوند. مردم بازهم این همه را به فال نیک گرفته به میدان می‌آیند و آزموده‌ها را دوباره می‌آزمایند و خود دوباره به بیغوله‌های تاریکِ فقر، بیماری و بدبختی می‌روند .

فراموش نکنیم که مردم در بازار سیاست، باربار به خطا می‌روند. تنها نخبه‌گان و رهبران حزب‌ها را نقد نکنیم. مردم و بدنه و صفوف احزاب را نیز باید نقد کرد. مکتب و دانشگاه و تمام سیستم آموزش، از کودکستان و مدرسهٔ دینی تا دانشگاه را نیز باید نقد کرد. به نقد فرهنگ و اخلاق مردم با روشنی تمام باید پرداخت. به آنانی که مردم را بی‌گناه کامل و صفوف احزاب را معصوم می‌دانند شک کنیم.

آصف آشنا

نفوس شماری هوایی، عامل نفاق ملی!

پرونده‌ی کامل نفوس‌شماری هوایی را خواندم. در یک کلام: فاجعه است. فاجعه‌یی بسیار خطرناک‌تر از کودتای تقلب در انتخابات ۹۳. فاجعه‌یی خطرناک‌تر از «مخکش‌نامه» و سیاست حذف فزیکی ملا عمر در دوران سیاه طالبان.

یکم: از دکتور عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت وحدت ملی انتظار دارم، در این مورد به صورت رسمی موضوع‌گیری کند و به مردم اطمنان دهد که جلو این بازی‌های شوم، حذف‌اندیشانه و آشکارا قومی تباری را می‌گیرد. چون، تلاش برای رسمیت دادن به چنین رذالتی، نه‌تنها قابل تحمل نیست که جداً مستعد شعله‌ور کردن آتش نفاق و سقوط دوباره افغانستان به هرج و مرج است.

دوم: از پارلمان، به ویژه از نماینده‌گانی که معنای این مسأله را می‌دانند، انتظار دارم، یکصدا در برابر این بازی شیادانه قدعلم کنند، چون این قصه با مسألهٔ کودتای تقلب در انتخابات ۹۳ فرق دارد.

سوم: از احزاب و جریان‌های سیاسی-اپوزیسیونی و همچنان از نهادهای جامعهٔ مدنی انتظار دارم در قبال این نفاق ملی سکوت نکنند. سکوت در قبال این مسأله در واقع هم‌نوایی با این فتنه‌یی ویران‌گر در کشور است.

چهارم: از آن‌جایی که نمی‌شود پروندهٔ کامل نفوس شماری را روی فیسبوک بارگذاری کرد، نماینده‌گان پارلمان، جریان‌های سیاسی، نهادهای و فعالین مدنی و رسانه‌های که می‌خواهند پروندهٔ کمال را داشته باشند و مطالعه کنند، ایمیل آدرس‌شان را در پیام خانه بگذارند.

داکتر ظهیر سعادت

در پیوند به اعلام برگزاری انتخابات پیشرو

نگرانم آنچه را که کمیسیون انتخابات در هم‌آهنگی با حکومت، پیرامون برگزاری انتخابات اعلام کرده است، در عمل نیز پیاده کند. به باور من، حکومت ارادهٔ راه‌اندازی انتخابات زودهنگام را ندارد، وضعیت امنیتی در کشور نیز نگران کننده است، بعضی از مناطق کشور در تصرف مخالفان قرار دارد. با این وضعیتِ بحران‌زا، بعید به نظر می‌رسد که انتخابات موفقانه برگزار شود.

با یک چنین رویکرد، فاصلهٔ مردم از حکومت نیز بیشتر می‌شود، در ضمن خیلی دشوار است آنچه را که نهادهای حکومتی با کمیسیون‌های انتخابات ابراز می‌دارند، جامهٔ عمل بپوشد. گرچند نام کمیسیون‌های انتخاباتی مستقل است، اما فعالیت این نهادها در گذشته ثابت ساخته که تحت تأثیر دستان پیدا و پنهان داخلی و خارجی انجام شده است.

با آن‌هم، دور از انتظار است که انتخابات پیشرو با در نظرداشت وضعیت نابسامان امنیتی و سیاسی به صورت بهتر آن برگزار شود. امیدواریم که نهادهای ناظر بر انتخابات، فعالان سیاسی و مدنی بر حکومت و نهادهای مسوول فشار وارد کنند تا انتخابات را به آنچه که وعده سپرده اند در زمان معین و به طور شفاف برگزار کند. تا باشد این انتخابات دریچه تازه را باز و اعتماد از دست رفته را دو باره احیا کند.

یادی از دو همسنگرِ خوشنام و دو سپاهی گمنام

خلیل‌الرحمان حنانی

سال ۱۳٦۰ بود. سه-چهار ماه از پیوستنم به جبههٔ جهاد در پنجشیر سپری شده بود. بعد از دورهٔ کوتاه کار در کمیتهٔ نظامی، آمرصاحب مسوولیت اکمالات قطعات متحرک را برایم سپرد. قطعات متحرک مجموعه‌یی از جوانان از سراسر پنجشیر بودند که حاضر بودند داوطلبانه تحت فرماندهی آمریت جبهه، در خارج از منطقه و قرارگاه خود به جهاد مسلحانه بپردازند. این قطعات علاوه بر فعالیت در داخل درهٔ پنجشیر، در خارج پنجشیر نیز اعزام می‌شدند. در سال ۱۳٦۰، سه قطعهٔ متحرک صد نفری در پنجشیر وجود داشت. قوماندانی قطعهٔ اول را گلزارخان شهید (سفیدچهر)، قطعهٔ دوم را غلام علی شهید (جنگلک) و قطعهٔ سوم را عبدالعزیز مجروح (غنجو) به عهده داشتند. قطعات متحرک تحت نظر شخص آمرصاحب دورهٔ آموزش‌های نظامی سختی را سپری می‌کردند. قطعهٔ سوم متحرک در یک حویلی روی یک تپه در ابتدای قریهٔ «شصتِ» رخه قرار داشت. من به حکم وظیفهٔ خود آنجا رفته بودم و در آن با تازه‌جوانی آشنا شدم که به تازه‌گی از پاکستان آمده بود و می‌خواستند از مسیر درهٔ پنجشیر به زادگاه‌شان ولایت کندز بروند؛ اما بعد از دیدار با آمرصاحب، تصمیم گرفته بود از رفتن به کندز منصرف شود و در جبههٔ پنجشیر در کنار آمرصاحب به حیث همکار او باقی بماند.

چنان که همه می‌دانند، آمرصاحب شخصیت جذابی داشت، هر کسی با او یک بار دیدار می‌کرد، علاقه‌مندی‌اش برای تداوم صحبت با او بیشتر می‌شد و سید یحیی نیز از این امر مستثنا نبود. سید یحیی که تازه -به اصطلاح ریش و بروت کشیده بود- جوانی پُر از انرژی و احساس و مالامال از انگیزهٔ جهاد و دین دوستی بود. بلا فاصله در زمستان در معیت قطعهٔ سوم متحرک سفری به شمالی داشت.

سال ۱۳٦۱ پیش آمد و پنجمین تهاجم قوای شوروی به درهٔ پنجشیر صورت گرفت. به یادم نمانده که در این سال چه وقت و چندبار با سید یحیی دیدم، چون همهٔ ما در هرجا سرگردان و مشغول کار بودیم، تا این‌که در اواخر سال ۱۹۸۲ و زمستان سال ۱۳٦۱، میان قوای شوروی و جبههٔ پنجشیر آتش‌بس به امضا رسید. آمرصاحب برای پیشبرد کارها، دفتری را در خانهٔ میر زمان (قریه شصت رخه) تحت سرپرستی مرحوم مدیر معراج‌الدین (کرامان) ایجاد کرده بود که به نام «دفتر مرکزی» یاد می‌شد و در آن، مجموعه‌یی از جوانان جمع بودند و مانند سربازان آماده به خدمت، همه‌روزه به اجرای وظایف محوله که از جانب آمرصاحب سپرده می‌شد، می‌پرداختند. این‌ها گروهی از جوانان -اکثرا مجرد- همدل و صمیمی بودند که در فضای نهایت دوستانه و محترمانه با هم همکاری داشتند. از جمله کسانی که در این دفتر با هم همکار بودیم، می‌توان از اختر محمد خان (کرامان)، سید یحیی (کندز) ، بسم‌الله خان، عبالله توحیدی، صالح محمد ریگستانی، عبدالاحد بهشتی، معلم گل محمد خان (کرامان) دادستان کرام‌الدین و عبدالبصیر سناتور یاد کرد که تا هنوز خاطرات به یادماندنی را از این دوره با خود دارم. لقب بهشتی برای عبدالاحد در همین دوره داده شد. عبالاحد که اصلاً فرزند وکیل عبدالروؤف خان، از خوانین معروف پنجشیر است، همکار این مجموعه در دفتر مرکزی بود. او در خدمت‌گذاری به همکاران چنان مبالغه می‌کرد که همکاران برایش لقب بهشتی دادند، امیدوارم که –ان‌شاء الله- اسم با مسمایی باشد.

آشنایی من با دو هم‌سنگر خوشنام و دو سپاهی گمنام (سید یحی و عبالله توحیدیِ) در همین دفتر مرکزی بیشتر و محکم‌تر شد. عبدالله توحیدی که قبلاً در کمیتهٔ جهاد دعوت قرارگاه حصهٔ دوم پنجشیر کار کرده بود، در دفتر مرکزی با هم صمیمی شدیم. عبدالله توحیدی از جمله مجاهدان متین، روشن‌فکر، خوش‌اخلاق، پرهیزگار و مخلص بود که این صفات خود را تا پایان عمر نگه‌داشت. زمانی که رژیم داکتر نجیب و بعداً نظام طالبان سقوط کردند و کابل به دست مجاهدین افتاد، دروازه‌های قدرت به روی همه باز شد، اما توحیدی همچنان به آرمان‌ها و ارزش‌های جهاد و دین‌داری متعهد ماند و خود را با قدرت و ثروت آلوده نساخت. عبدالله توحیدی اهل مطالعه بود، همیشه کتاب می‌خواند و از جمله روشن‌فکران نسل خود بود. کتاب‌های دکتور شریعتی و مطهری را که در آن زمان مراجع مهم مطالعات دینی و روشن‌فکری بود، مطالعه کرده بود و استنتاجات خود را به دیگران بازگو می‌کرد. دریغا این هم‌سنگر عزیز، در حالی که هنوز جوان بود و سال‌های پایانی دههٔ چهارم زنده‌گی خود را سپری می‌کرد، در اثر ابتلا به مرض سرطان، در سال ۱۳۸۸ با جهان فانی وداع کرد، روحش شاد.

سپاهی گمنام دیگر، سنگردار متعهد سید یحیی شهید است. او جوانی پُر از انرژی، احساس میهن‌دوستی و شور دین‌پروری بود. تازه از صنف ۱۲ مدرسه تخارستان کندز فارغ شده بود که به پاکستان هجرت کرد و از آنجا در اواخر سال ۱۳٦۰ به جبههٔ پنجشیر آمد و بالآخره یار و همکار نزدیک آمرصاحب شد. با خط زیبای خود نامه‌های او را می‌نوشت و کارهای مالی و اداری آمریت را به پیش می‌برد.

سید یحیی شهید بعد از تأسیس قطعات مرکزی در اواخر سال ۱۳٦٤، به عنوان قوماندان قطعهٔ اول مرکزی تعیین گردید. او در ناکام ساختن حمله روس‌ها بر درهٔ خیلاب و انجیرستان، نقش مهمی داشت. سید یحیی در عملیات گارنیزیون کرانی (فرخار) فرماندهی بخش آن طرف دریا «چشمه گرمک» را بدوش داشت. او بعد از فتح ولسوالی فرخار، از جانبِ آمرصاحب برای تنظیم قرارگاه‌های ولسوالی فرخار توظیف شد و بعداً به عنوان آمر ولسوالی فرخار و ورسج تعیین گردید که در این وظیفه چندین سال باقی ماند و با کمال صداقت و دین‌داری وظیفهٔ خود را موفقانه انجام داد و بدون شک، از فرماندهان موفق و محبوب فرخار بود. سید یحیی بعد از تنظیم ولسوالی فرخار، به حیث آمر ولسوالی خوست و فرنگ تعیین شد که در آنجا نیز کارهای موفقانه‌یی انجام داد. سید یحیی در عملیات شهر بزرگ نیز سهم داشت و همچنان در عملیات ولسوالی خواجه غار تخار، اما دریغا که در این عملیات (سال ۱۳٦۹) به شهادت رسید. سید یحیی شهید از جمله جوانان متدین، پارسا، پرهیزگار، فعال، روشن‌فکر، کتاب‌خوان، جدی، سلحشور و بیزار از جمع‌آوری مال و ثروت بود. به یاد دارم، سید یحیی در حالی که آمر ولسوالی فرخار و ورسج بود، اما خانوادهٔ کوچکش نان کافی برای خوردن نداشت، اما لب شکایت به آمرصاحب نمی‌گشود. سید یحیی یکی از بهترین، فعال‌ترین، شجاع‌ترین، پرهیزگارترین و مخلص‌ترین جوانان همکار آمرصاحب بود که در عنفوان جوانی که هنوز دههٔ چهارم عمر خود را تکمیل نکرده بود، به شهادت رسید. روحش شاد!

شهید سید یحیی نیز مانند عبدالله جان توحیدی جوان کتاب‌خوان و روشن‌فکر بود. مجالس ادبی و مناظره‌های علمی را بسیار دوست می‌داشت و با جدیت در آن اشتراک می‌ورزید. گاهی ساعت‌ها با مرحوم توحیدی روی مسایل علمی با هم بحث می‌کردند. شریک بحث‌های علمی آنان دوست دیگر ما حسین خان ماله می‌بود که عمدتاً مسایل مورد اختلاف را در میان می‌گذاشت و بعد خود به تماشا می‌نشست! خداوند شهدا و گذشته‌گان را غریق رحمت کند و باقی مانده‌ها را در راه راست داشته باشد!

ورزش

زیدان:
دوست دارم به کارم در رئال‌مادرید ادامه بدهم

سرمربی فرانسوی کهکشانی‌ها می‌گوید که از ایسکو راضی است و این بازیکن در پایان فصل جایی نمی‌رود.

زین‌الدین زیدان که شاگردانش شب گذشته در هفته سی‌ام لالیگای اسپانیا میهمان لاس‌پالماس بودند، با حضور در نشست خبری پیش از این بازی با اشاره به این‌که گفته می‌شود او به ایسکو اعتماد به نفس لازم را در رئال نمی‌دهد، گفت: من در مورد ایسکو بی‌انصاف نیستم. او خوشحال است. شاید ایسکو آن نقشی را که در تیم ملی اسپانیا دارد را در رئال‌مادرید نداشته باشد، اما به او نشان داده‌ام که بازیکن مهمی برای ما است. بابت عملکرد ایسکو مقابل آرژانتین خوشحالم.

سرمربی فرانسوی کهکشانی‌ها تصریح کرد: چیزی که در مورد ایسکو می‌توانم بگویم، این است که او همیشه خودش را می‌کشد. مشکل ایسکو نیست، مشکل این است که من ۲۵ بازیکن دارم و تنها می‌توانم از ۱۱ بازیکن استفاده کنم. همیشه از ایسکو راضی بوده‌ام. همیشه به دنبال انجام بهترین کارهای برای تیم و بازیکنان هستم. ایسکو بازیکن رئال‌مادرید است و در این‌جا هم می‌ماند.

زیزو در پاسخ به این پرسش که «آیا دوست دارید که در رئال‌مادرید بمانید؟»، خاطرنشان کرد: بله، دوست دارم به کارم در رئال‌مادرید ادامه بدهم، اما شما می‌دانید که فوتبال غیرقابل پیش‌بینی است. امیدوارم این‌جا بمانم، اما می‌دانید که در باشگاه رئال‌مادرید همه‌چیز بسته به نتایجی دارد که شما می‌گیرید. به هر حال، اکنون زمان صحبت در این مورد نیست و باید روی بازی فردا که بازی دشواری است، تمرکز کنیم.

او افزود: ایسکو و سرخیو راموس به دلیل مشکلاتی که دارند، تیم را در سفر به جزایر قناری برای رویارویی با لاس‌پالماس همراهی نمی‌کنند.

زمان بازگشت نیمار به پاریس مشخص شد

سرمربی پاری‌سن ژرمن از زمان بازگشت ستارهٔ تیمش به شرایط تمرین پرده‌برداری کرد.

نیمار ۲٦ ساله در حدود یک ماه پیش در جریان بازی پاری‌سن‌ژرمن مقابل المپیک مارسی از ناحیه استخوان پنجم متاتارسال (استخوان‌های منتهی به انگشتان پا) دچار شکسته‌گی شد و در نهایت مجبور شد پایش را به تیغ جراحان بسپارد. همان موقع اعلام شد نیمار به مدت ۲ تا ۳ ماه به دور از مستطیل سبز خواهد بود که حالا خبر می‌رسد که ستارهٔ برزیلی پاری‌سن‌ژرمن که در حال ریکاوری است به زودی به شرایط تمرین خواهد رسید.

اِمری دربارهٔ وضعیت مهاجم برزیلی خود گفت: این هفته با نیمار صحبت کردم. او خوب و آرام است. ما در مورد فینال جام اتحادیه فرانسه (دیدار امشب بین پاری‌سن‌ژرمن و موناکو) صحبت کردیم. نیمار این بازی را از طریق تلویزیون تماشا خواهد کرد و سپس ۲ تا ۳ هفته دیگر به پاریس بازخواهد گشت.

بعید به نظر می‌رسد که نیمار به بازی پاری‌سن‌ژرمن مقابل کان در مرحلهٔ نیمه‌نهایی جام حذفی فرانسه برسد، اما در صورت صعود این تیم به فینال این رقابت‌ها، ممکن است در آن بازی PSG را همراهی کند.

Year 9 ❁ NO 2234 ❁ Sunday 1 April 2018

DAILY

Mandegar

● صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
◄ مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : جمشید یما
گزارشگران: ناجیه نوری، هارون مجیدی، ابوبکر صدیق و روح‌الله بهزاد
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

افق‌های صلح گشوده شده است؟

*نویسنده: کریشنادیو کلامور
*منبع: آتلانتیک
* مترجم: طاهره رحمانی

پیشنهادات دولت غنی برای گفتگو با طالبان با سکوت این گروه همراه شده است. این کار در نوع خود می‌تواند نشانه خوبی باشد. آیا اینک زمان خوش‌بینی در افغانستان فرا رسیده است؟

در ۲۸ فبروری، رییس‌جمهور اشرف غنی پیشنهاداتی را بدون هیچ پیش‌شرطی برای گفتگوهای صلح با طالبان، به عنوان راهی برای پایان دادن به حدود دو دهه منازعه طولانی در افغانستان مطرح کرد. یک ماه بعد، همچنان که نماینده‌های بیش از ۲۰ کشور در تاشکند، پایتخت ازبکستان برای بحث در مورد راه‌های استحکام ثبات در افغانستان، و این‌که هنوز پاسخ رسمی از جانب طالبان دریافت نشده، گردهم آمدند.

در همین حال مقامات ابراز امیدواری کرده‌اند که نبود یک پاسخ می‌تواند دلیلی برای خوش‌بینی باشد. آلیس ولز، مقام وزارت خارجه ایالات متحده که بر امور آسیای مرکزی و جنوبی نظارت دارد، در اوایل این ماه در انستیتوت صلح ایالات متحده گفت: «ما ندیده‌ایم که آنان پیشنهادات را رد کنند، که- این به رغم خودش یک نشانه مثبت است، و من امیدواری‌ها و توقعات‌مان را که رهبری طالبان این بسته پیشنهادی را به دقت و احتیاط تحلیل خواهد کرد، هم‌چنان برجسته می‌سازم».

بسته بی‌سابقه غنی برای طالبان شامل پیشنهادات بدون پیش‌شرط برای گفتگوهای صلح است. این بسته هم‌چنان به اعضای طالبان اجازه می‌دهد که در حکومت کار کنند، جنگجوهای طالب از زندان آزاد شود و از نیروهای خارجی تقاضا کنند که افغانستان را ترک نمایند. طالبان که تا زمان یورش ایالات متحده برای تلافی حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱(که به وسیله القاعده، گروهی‌که از سوی طالبان پناه داده شده بود، سازمان‌دهی و انجام شد)، بر افغانستان حکومت کرده‌اند، به نظر می‌رسد این پیشنهادات را در نظر بگیرند.

بارنت روبین، کارشناس منطقه‌یی در دانشگاه نیویورک به من گفت که پیشنهادات غنی از آن جهت مهم است که در آن به بسیاری از نگرانی‌های عمده طالبان رسیدگی می‌شود. اما او می‌گوید، این به عمده‌ترین نگرانی آن‌ها رسیدگی نکرده است: «باور آنان به این‌که غنی در ارائه این پیشنهاداتش از مشروعیت برخوردار نیست». روبین گفت: «طالبان افغان به وسیله حکومت افغان‌ها سرنگون نشده بودند، آنان توسط ایالات متحده سرنگون شده بودند و از همین‌رو آن‌ها می‌خواهند با ایالات متحده وارد بحث شوند. اگر آن‌ها با حکومت افغانستان صحبت کنند، این‌کار برای‌شان مثل تسلیم شدن است ـ زیرا، این‌کار برای آن‌ها چنین معنی می‌دهد که سرنگون کردن آن‌ها کاری مشروع بوده است».

و هنوز، چنان‌که نیویورک تایمز روز سه‌شنبه گزارش داده بود، اوضاع در کنفرانس تاشکند، آخرین تلاش بین‌المللی برای آوردن صلح در افغانستان، به گونه غیرمعمول «خوش‌بینانه» بوده است. پیشنهادات غنی برای طالبان در کنفرانسی مشابه در کابل که بیست کشور را گردهم آورده بود، مطرح شد. به همین ترتیب چندین مکانیزم جایگزین دیگر که برای صلح در افغانستان کار می‌کند، وجود دارد: بسیاری از آن‌ها ترکیبی از همسایه‌ها و هر دو کشور ایالات متحده و روسیه را شامل می‌شدند. اکثر آن‌ها، نه همه‌شان، حکومت افغانستان را شامل می‌شد و هیچ یکی شامل طالبان نبوده است.

بعد از انتقاد از جنگ آمریکا در افغانستان، رییس‌جمهور ترامپ...

ادامه صفحه ٦

رییس پارلمان آلمان:
اسلام بخشی از سرزمین ما است

در بحث در باره اسلام، ولفگنگ شویبله رییس پارلمان آلمان فدرال نیز موضع گیری کرد. او گفت که در این میان اسلام بخشی از آلمان است. او همزمان در برابر یهودی ستیزی هشدار داد.

ولفگنگ شویبله رییس پارلمان آلمان فدرال در ارتباط با تعلق داشتن اسلام به آلمان، به روزنامه های گروه رسانه یی فونکه گفت گه نمی توان مسیر تاریخ را متوقف کرد.

رییس پارلمان آلمان فدرال به این ترتیب مانند انگلا مرکل صدراعظم این کشور نیز از اظهارات هورست زیهوفر وزیر داخله و میهن این کشور فاصله گرفت.

شویبله تاکید کرد، این واقعیت را که اسلام در این میان بخشی از آلمان است، باید همه نزد خود مطرح کنند.

هورست زیهوفر وزیر میهن و داخله آلمان به تازگی ها گفت که اسلام به آلمان تعلق ندارد، اما او افزود، مسلمانانی که در این اینجا زندگی می کنند، «طبعاً» به این کشور تعلق دارند.

«وظیفه بسیار عظیم»

رییس پارلمان آلمان فدرال گوشزد کرد که اینجا باید نزد مسلمانان روشن باشد که در کشوری زندگی می کنند که از سنن و عنعنات مسلمان ها متاثر نیست و به همین ترتیب «باقی جمعیت این کشور باید بپذیرند که در آلمان یک بخش رو به ازدیاد مسلمانان وجود دارند.»

وزیر مالیه پیشین و رییس کنونی پارلمان فدرال افزود که حالا به همبستگی اجتماعی و قاعده های نیاز است که بر مبنای ارزش های قانون اساسی استوار باشد. شویبله یادآور شد که مسأله بر سر همزیستی مسالمت آمیز و احترام متقابل در برابر تفاوت های (اجتماعی) است. او در ادامه گفت: «این یک وظیفه عظیم شکل دادن [به جامعه] است. یک جامعه آزاد و لیبرال فقط زمانی با ثبات می ماند که در آن به پیمانه کافی تعلقات و همچنان الفت، وابستگی و محبت وجود داشته باشد.»

در آلمان حدود ٥،٤ میلیون مسلمان زندگی می کنند. شویبله به این پرسش روزنامه های گروه رسانه یی فونکه که آیا مسلمانانی نیز به آلمان تعلق دارد که دین شان را بالا تر از قانون اساسی قرار می دهند، جواب داد: انسان های با تعلقات کاملاً متفاوت دینی، قاعده های این کشور را نمی پذیرند؛ «به این دلیل ما پولیس، نظام قضایی و حتی زندان داریم.» اما «طبعاً» قانون شکنان و زندانیان نیز به آلمان تعلق دارند....

ادامه صفحه ٦

ابراهیمی:
د انتخاباتو کمېسیون د شفافو انتخاباتو د ترسره کولو ظرفیت نه لري

د ولسي جرګې او ولسوالیو شوراګانو د انتخاباتو د نېټې تر اعلان وروسته د ولسي جرګې رئیس عبدالروف ابراهیمي وایي، د انتخاباتو کمېسیون د شفافو انتخاباتو د ترسره کولو ظرفیت نه لري.

د ښاغلي ابراهیمي په خبره، کمېسیون پرته له دې چې د انتخاباتو په اړه د خلکو اندېښنو ته واضح ځواب ووایي، د ولسي جرګې او ولسوالیو شوراګانو د انتخاباتو نېټه یې اعلان کړه.

نوموړی چې د شنبې په ورځ یې د جرګې په عمومي غونډه کې یې خبرې کولې، وویل چې ولسي جرګې د کمېسیون چارواکي له همدې امله د جرګې عمومي غونډې ته استجواب کړي وو، خو په خبره یې چې د انتخاباتو خپلواک کمېسیون دوی ته په استولي مکتوب کې لیکلي چې په خپلو چارو کې خپلواک دي او له راتګه یې انکار کړی دی.

نوموړي زیاته کړه:

«زموږ غږ دې ولسمشر ، اجرائیه رئیس او هغوی چې په افغانستان کې له ډموکراسۍ ملاتړ کوي، واوري چې د انتخاباتو خپلواک کمېسیون قطعاً د انتخاباتو د ترسره کېدو اراده نه لري، ظرفیت یې نه لري او له خلکو سره په دې اړه تعهد نه لري، نو له دې کبله نه راتګ یې موږ محکوموو او د قانون خلاف یې بولو.»

ښاغلي ابراهیمي دا هم وویل چې د انتخاباتو په ملي پروسه کې ناغېږي ملي خیانت دی.

Zawul Standard Education
تحصیلات عالی و معیاری
ما به ارزش های مان پایندیم

مؤسسه تحصیلات عالی زاول

مرکزمعیاری ، با تطبیق سیستم استندرد های بین المللی
و با داشتن استادان نخبه به سویه ماستر و دوکتورا و سه دور فراغت
در فاکولته های ذیل:

علوم طبی
- طب معالجوی
- ستوماتولوژی
- متمم لیسانس قابلگی
- متمم لیسانس ستوماتولوژی
- متمم لیسانس تکنالوژی طبی

علوم اجتماعی
- حقوق و علوم سیاسی
- اقتصاد
- کمپیوتر ساینس

با ارایه تخفیف ویژه علاقه مندان جدیدالشمول را در امتحان متفرقه کانکور جهت موفقیت آینده های شان می پذیرد.

امتحان کانکور متفرقه به تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۹۷

آدرس: ده کیپک، سرک بادام باغ
۰۷۸۰۱۸۱۱۸۱
www.zawul.edu.af